



Open Society Institute
& Soros Foundations Network



دسترسی زنان به عدالت

مشکلات و چالش ها

دسترسى زنان به عدالت مشكلات و چالش ها

راپور تحقيقاتى

سال 1387



شناسنامه

نام کتاب: دسترسی زنان به عدالت
مشکلات و

چالش ها

تهیه کننده: نهاد تحقیقاتی حقوق
زنان و اطفال
WCLRF

تمویل کننده:

Open Society Institute (OSI)
تیراژ: 800 نسخه

سال: 1387

آدرس دفتر: سرک 5 تایمینی عقب
مسجد حاجی محمد داد، کابل -
افغانستان

ایمیل آدرس:

وب سایت:

طرح و گرافیک: wclrf@wclrf.org

www.wclrf.org.af



فهرست موضوعات:

.....	مقدمه
.....
2
.....	مرور مطالعات و نوشتار
.....	ها
4
.....	نگاه اجمالی به دستگاه قضایی در
.....	افغانستان
8
.....	- تبعیض‌های جنسیتی بر مبنای سنت و
10فرهنگ
-
.....	فقر
.....
11
-
.....	امنیت
.....
13
.....	مفهوم این
.....	راپور
14
.....	دست‌رسی زنان به
.....	عدالت
14

.....	
22	کوتاهی دست‌گاه
.....	قضایی
23
.....	تاخیرهای
.....	طولانی
23
.....	بازداشت‌های
.....	غیرقانونی
24
.....	عدم دسترسی به طب
.....	عدلی
26
.....	ناتوانی‌های مالی دست‌گاه
.....	قضایی
27
.....	کمبودکارکنان زن در دست‌گاه
.....	قضایی
28
.....	عدم دسترسی به وکلای
.....	مدافع
29
.....	پایین بودن ظرفیت کارکنان نهادهای
30
.....	قضایی
.....	دیدگاه‌های سنتی و شیوه‌های سنتی دسترسی به
33 عدالت

درک مردم	عامه
34
زنان در کدام موارد می‌توانند شکایت	کنند
37	..
روش‌های سنتی برای حل و فصل یک	قضیه
41
زنان متهم و دسترسی‌شان به	عدالت
42
مشکلات زنان	متهم
42
نوع	اتهام
43
انواع جرایم و پیش‌زمینه متغییر	ها
44
مشکلات زنان	متهم
48
زنان دادخواه یا	شاکی
49

مشکلات زنان

دادخواه

49

نتیجه

گیری

.....

51

پیشنهادها و پالیسی‌های

موردنیاز

53

ضمایم

.....

60

منابع

وماخذ

.....

67

سپاسگزاریه‌ها

اجرای این تحقیقات بدون حمایت و همکاری شماری از همکاران و شرکای ملی و بین‌المللی ممکن نبود. ما از وزارت امور زنان و وزارت اقتصاد برای همکاری سخت‌اوتمندانه‌شان با گروه‌های تحقیقاتی در زمینه فراهم‌آوری اطلاعات و محلات مناسب برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی سپاسگزار هستیم. برعلاوه از همکاری ادارات محترم محاکم، سارنوالی‌ها، پولیس، دفاتر خدمات حقوقی و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ولایات بلخ، بدخشان، پروان و ننگرهار که در تهیه معلومات با ما کمک نمودند؛ قدردانی مینماییم.

این تحقیق از سوی گروه تحقیقاتی نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال - حمید رزاق، زرقا یفتلی، غلام نبی عرفانی، گل‌شاه شرار، شکیلا یوسفزی، شهلا عارفی و لونا کریمی اجرا گردیده است.

در پایان، از حمایت مالی **Open Society Institute** برای همکاری سخاوتمندانه‌شان در زمینه تکمیل این گزارش، سپاسگزار هستیم.

مقدمه

در جریان سه دهه جنگ داخلی در افغانستان، هزاران نفر از شهروندان افغان از دسترسی به حقوق اساسی شان محروم شده‌اند. فهرست طولی از نمونه‌های نقض حقوق انسانها از جمله حق دسترسی به آموزش، حق زندگی، حق عدم شکنجه و برخوردهای تحقیرآمیز، حق زندگی در فضای صلح آمیز، حق آزادی بیان و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و غیره وجود دارد. در میان همه نگرانی‌های حقوق بشری، عدم توازن جنسیتی، بزرگتر از همه می‌نماید؛ چون حقوق اساسی بسیاری از زنان افغان، زیر نام عنعنات و رسم و رواج‌های گسترده، نقض می‌شود. موضوعی که به استقامت و اعتبار زنان آسیب می‌زند و در ضمن، موارد نقض حقوق آنان را توجیه می‌کند. با وجود آنکه ظرف چند سال اخیر، بعضی دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای در زمینه تقویت و گسترش حقوق زنان حاصل شده، اما هنوز زنان افغان در مورد حقوق اساسی شان آگاهی کافی ندارند و در این زمینه با مشکلات و موانع بزرگی روبرو هستند.

تقویت و رشد حقوق زنان، در برنامه کاری دولت‌سازی در افغانستان قرار داشته است. به طور مثال، تساوی جنسیتی، یکی از سه بخش مهم در استراتژی توسعه ملی افغانستان است. برعلاوه، در سال 2003، افغانستان کنوانسیون سازمان ملل متحد را در مورد از بین بردن

همه انواع تبعیض علیه زنان (CEDAW) مورد تایید قرار داد. به همین شکل، دولت و شماری از سازمان‌های غیردولتی (NGOs) ملی و بین‌المللی، به کار پرچالش تقویت تساوی جنسیتی در افغانستان اشتغال داشته‌اند. با این حال، زنان در افغانستان با مشکلات و موانع بزرگی در عرصه درک و شناخت حقوق اساسی‌شان روبرو هستند.

یکی از نگرانی‌های بنیادی در زمینه تساوی جنسیتی، حق دسترسی مساویانه‌ای زنان به عدالت است. هدف از این تحقیق، بررسی شرایط دسترسی زنان به عدالت است و در ضمن، این مسئله را تجزیه و تحلیل می‌کند که چه موانع اجتماعی - قانونی در راه دسترسی زنان به عدالت وجود دارد. علاوه بر این، هدف دیگر برای اجرای این تحقیقات این است که سیستم عدالت و دادخواهی را در زمینه دسترسی زنان به آن، مورد بحث قرار داده و پیشنهادات مرتبط به مسئله را ارائه کند.

شکل اجمالی این گزارش تحقیقی به این گونه است که در بخش نخست، یک نگاه کلی به نوشتارهای مرتبط با عنوان "دسترسی به عدالت" افکنده شده و بعد، این مسئله در داخل افغانستان به بررسی گرفته شده است. در بخش‌های بعدی، نظریات و مفکوره‌های مردم در مورد زنانی که برای دادخواهی به دستگاه قضایی مراجعه می‌کنند و اینکه زنان در این راستا با چه مشکلاتی روبرو می

شوند، کاوش شده است. پیش از بررسی دریافت‌های این مطالعه، نوشتارها و مسایل مرتبط به این قضیه را به شکل اجمالی مرور مینمایم.

مرور مطالعات و نوشتارها

دست‌رسی به عدالت، مربوط به اندازه توانایی مردم، به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه می‌شود، که بر مبنای ارزش‌های قبول شده حقوق بشر و از طریق مراجعه به دستگاه‌های رسمی و یا غیررسمی عدلی، خواستار تأمین عدالت می‌شوند. با آنکه نهادهای غیررسمی و سنتی عدلی، به افراد محروم جامعه بیشتر قابل دسترس است، اما مراجعه به این نهادها می‌تواند تأثیرات کمی داشته باشد و اکثراً معیارهای بین‌المللی حقوق بشری چون تساوی جنسیتی، برخوردهای بدون تبعیض و احترام به عدالت، در این نهادها نقض می‌شود. نهادهای سنتی و غیررسمی عدلی، در کشورهای در حال توسعه بیشتر رایج است. در حالی که بیشتر افراد به نهادهای غیررسمی عدلی اتکا دارند، اما در بعضی از کشورهای در حال توسعه، نهادهای رسمی عدلی نیز با موانع و مشکلات زیادی روبرو هستند که این موضوع مفکوره افراد را در مورد دستگاه‌های رسمی عدلی تغییر داده و در نتیجه، روی اعتماد آنان نسبت به نهاد‌های رسمی عدلی تأثیر می‌گذارد.

براساس برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)¹ مشکلاتی چون، تاخیرهای طولانی (در بررسی پرونده‌ها)، عدم فراهم آوری تضمینات حمایتی بدون تبعیض، سر وقت و عادلانه، بی‌ثباتی‌هایی را در دستگاه عدلی-قضایی در برخی از کشورهای در حال توسعه به وجود آورده است. علاوه بر این، موانعی چون تبعیض‌های جنسیتی، عدم محافظت لازم از زنان، کودکان و افراد محروم جامعه به شمول افراد معلول و کسانی که از سطح پایین سواد برخوردار هستند، مسایل برجسته و مهمی هستند که باید به آن پرداخته شود. دیگر موانع، شامل عدم حفاظت و مراقبت به ویژه از زنان، کودکان و مردانی که زندانی هستند می‌شود.

برنامه توسعه سازمان ملل متحد همچنین گزارش می‌دهد که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مردم با مشکلاتی از ناحیه عدم آگاهی کافی در مورد مسایل قانونی و حقوقی روبرو هستند و دقیقاً نمی‌دانند که چه حقوقی در زمینه دسترسی به عدالت دارند. برعلاوه ای مسایل بیشماری که در زمینه دسترسی افراد به عدالت وجود دارد، در بخش عرضه خدمات عدلی نیز مخمسه‌های زیادی چون موجودیت شمار زیادی از قوانین، پروسه‌های گزاف و مغلق قضایی و قانونی و مشارکت محدود مردم در

¹. مراجعه شود به: دسترسی به عدالت، یادداشت تمرینات 2004، UNDP

اصلاح برنامه‌ها و نیز سیستم پرهزینه قانونی وجود دارد.

دست‌رسی به عدالت، رابطه تنگاتنگی با توسعه بشری دارد. و نیز رابطه عمیقی میان فقر و عدم دست‌رسی کافی به عدالت موجود است. افراد فقیر و کسانی که به حاشیه‌ی جامعه رانده شده‌اند، عمدتاً از فرصت‌ها، دست‌رسی به منابع، دست‌رسی به اطلاعات قانونی و حقوقی و حق ابراز نظر در تصمیم‌گیری‌ها محروم هستند. دست‌رسی به عدالت، در عین حال نیازمند حاکمیت و دولتمداری دموکراتیک نیز هست تا زمینه‌های تامین عدالت را به همه شهروندان خود، بدون توجه به جنیست، نژاد، مذهب، سن، صنف بن‌دی‌های اجتماعی و یا نظریات سیاسی آنان، به شکل یکسان و مساویانه تامین کند.² وظیفه و مأموریت پرچالش برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه این است که باید تضمین کنند که در محاکم و دادگاه‌ها، به تعداد کافی وکلای مدافع وجود دارند، پروسه‌های متعدد غیررسمی حقوقی مانند دادگاه‌های بررسی ادعاهای کوچک و دادگاه‌های اداری، تهیه و تدارک دیده شده و آموزش‌های حقوقی به مردم عام‌ارایه شده است.

تقویت و محافظت از دست‌رسی افراد به عدالت، تنها یک نگرانی داخلی و در سطح یک کشور نیست؛ نگرانی‌ها در

². پارکر، کریستین. (1999). مقررات و دست‌رسی به عدالت. اکسفورد: نشرات پوهنتون اکسفورد

مورد این مسئله، در سطوح بین المللی نیز مطرح شده و در پیمان‌ها و معاهدات بین المللی بازتاب یافته است. به طور مثال، پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، از اصل مساوات و برابری انسانها در برابر قانون دفاع می‌کند، فرضیه بیگناهی افراد متهم را تقویت می‌کند، از آزادی افراد در صورتی که به شکل خودسرانه بازداشت شده باشند طرفداری می‌کند و در حمایت از برگزاری محکمه بی طرف و مبتنی بر اصول قانون، قرار می‌گیرد. در صورتی که دستگاه قضایی غیرعادلانه و جهت دار باشد، دسترسی یکسان و مساویانه افراد به عدالت، ناممکن است. بنا بر این، اصول بنیادی و اساسی در یک دستگاه قضایی آزاد و بی طرف مستلزم این است که آزادی و استقلال دستگاه قضایی در قانون داخلی یک کشور تضمین شده باشد. از سوی دیگر، یکی از فریضه‌ها این است که پیگرد کننده قانونی (سارنوال) مسئولیت دارد تا از ارزش‌های حقوق بشری حمایت کرده و تضمین کند که درست همانگونه کار می‌کند که در لایحه وظایف اش تشریح شده است. با آنکه اندازه دسترسی افراد به عدالت، در هر کشوری نظر به کشور دیگر متفاوت است، اما تا آنجایی که معلومات وجود دارد؛ هیچ مطالعه‌ای در این زمینه تا کنون در مورد افغانستان وجود ندارد. در بخش بعدی، این مسئله با توجه به واقعیت‌های افغانستان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

یک نگاه اجمالی به دستگاه عدلی _ قضایی و ساختار های حمایت ملی در افغانستان

این بخش، بحث مختصری را در مورد دستگاه قضایی و موانعی که زنان در زمینه دسترسی به عدالت و دستگاه قضایی در این کشور با آن روبرو هستند، مطرح می‌کند. نخستین گام در راه ایجاد و تامین عدالت در یک کشور، داشتن نیروی موثر پولیس است. در حالی که حفاظت از عدالت، بر ملا کردن جرایم، جمع آوری شواهد و پیگرد قانونی افراد مظنون، از مسئولیت های نیروی پولیس است، اما باید دریافت های پولیس، از سوی یک نهاد دومی نیز بررسی شود. دستگاه قضایی، نهاد دیگر دولتی است که زنان می‌توانند با مراجعه به آن، شکایت خود را مطرح کنند. بدون شک، دادگاه ها نقش مهم و برجسته ای را در دستگاه قضایی بازی می‌کنند. علاوه بر این، طب عدلی و نهادهای مربوط به آن که مکلف هستند با پیروی از اصول طبی و پزشکی به تامین عدالت در افغانستان کمک کنند، روی دو هدف اصلی تمرکز دارند: الف) کاهش آمار مرگ های آنی، ب) مبارزه علیه جرایمی که صحت و حیثیت افراد را مورد تهدید قرار می‌دهد. طب عدلی در افغانستان مسئولیت دارد تا سن افراد را از زمان تولد تا مرگ تعیین و تشخیص کند، جرایم و

انحرافات جنسی و اخلاقی را مورد آزمایش و بررسی قرار دهد، افراد مجروح را مورد آزمایش های بدنی صحتی قرار دهد و این مسئله را بررسی کند که فرد مجروح، چگونه جراحات دیده و آزمایش های مربوط به آن را انجام دهد.³ نهاد دیگری که در زمینه حمایت از حقوق زنان در افغانستان فعال است، وزارت امور زنان است. این وزارت مکلف است تا سیاست ها و پالیسی های دولت افغانستان را در مورد کاریابی، آموزش، صحت، حقوق بشر، حق رهبری و مشارکت سیاسی زنان، به اجرا بگذارد. وزارت امور زنان، یک نهاد دولتی پالیسی ساز است و از صلاحیت اجرایی کمی برخوردار است. وزارت امور زنان، به آنعده از زنانی که پرونده هایشان به دادگاه ها فرستاده شده، مشوره های حقوقی می دهد و دستگاه قضایی، جزییات عملکرد خود را در این زمینه، گام به گام در اختیار این وزارت قرار می دهد. علاوه بر این، پرونده های که در بخش حقوقی وزارت امور زنان حل و فصل نمی شود، برای بررسی و تصمیم گیری، به دستگاه قضایی فرستاده می شود و بعد، این بخش از وزارت امور زنان، وظیفه نظارت کننده بر این پرونده را برعهده می گیرد.⁴ در نتیجه، این مسئله روشن می شود که وزارت امور زنان و

³. عین منبع

⁴. مصاحبه با فوزیه امین ریس بخش حقوقی، وزارت امور زنان، تاریخ 25 جون 2007

به ویژه بخش حقوقی این وزارت، با وجود آنکه صلاحیت حقوقی و قانونی برای حل و فصل قضایا ندارد و تنها می‌تواند در مورد پرونده های حقوقی زنان به آنان مشوره بدهد، اما فعالیت این وزارت در زمینه تامین عدالت زنان افغان موثر بوده است. به همین ترتیب کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که به هدف نظارت، حمایت و اتکشاف حقوق بشر بر اساس قانون اساسی افغانستان ایجاد گردیده است؛ از نقش عمده در جهت تعقیب و پیگیری قضایای راجع شده به دولت در زمینه دسترسی مردم به عدالت برخوردار است. نقش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به ویژه زمانی که افراد در مراجعه به ادارات انفاذ قانون به موانع مواجه میشوند؛ برازنده است.

در حالی که نقش و کارآیی بخش های مختلفی از نهادهای دولتی در زمینه دسترسی زنان به عدالت مورد بحث و بررسی قرار گرفته، نیاز است تا بدانیم که کدام یک از عوامل مهم و برجسته، روی مسئله دسترسی زنان به عدالت تاثیر داشته است. بنا بر این، در این بخش از تحقیق، عواملی چون جنیست، فقر و امنیت را که در بحث دسترسی زنان به عدالت مهم و برجسته هستند، با جزییات بیشتری مورد کنج و کاو قرار می‌دهیم.

- تبعیض های جنسیتی بر مبنای سنت و فرهنگ: در افغانستان، تبعیض جنسیتی، سنتی، مسایل و ویژگی های

فرهنگی و رسم و رواجها، توانایی زنان را برای مراجعه به نهادهای حقوقی و شکایت علیه اشخاص محدود نموده است. تطبیق سخت‌گیرانه این نوع رسم و رواجها و ارزش‌های سنتی، از اعتماد زنان نسبت به این که برای دسترسی به حقوق خود مبارزه کنند، کاسته است. در حالی که حق دسترسی زنان افغان به عدالت، به وسیله سنتها و رسم و رواجها محدود شده، دستگاه قضایی این کشور نیز در بسیاری حالات در زمینه تقویت زنان و آرایه یک تعهد قوی به آنان برای تامین حقوق، نیازمندی‌ها و خواسته‌هایشان دارای خلاها میباشد. جهت‌گیری‌های مبتنی بر تبعیض‌های سنتی - جنسیتی و ارزش‌های فرهنگی، توانایی زنان را برای اتخاذ اقدامات قانونی برای دسترسی به حقوق‌شان محدود ساخته است. این مسئله، در عین حال به اعتماد به نفس زنان برای خواستن حقوق‌شان نیز آسیب زده است. بناً هرگاه دستگاه قضایی در تحت تاثیر سنتها و تبعیض‌های جنسیتی قرار گرفته و در پاسخ دهی مساویانه و یکسان به خواستهها و حقوق زنان اقدام عاجل نکند باعث ناکامی سیستم خواهد گردید.

- فقر: دسترسی به عدالت، به شکل مستقیم، با فقر ارتباط دارد. بدین گونه، فقر و ضعف اقتصادی، یکی از عوامل عمده در محدودیت دسترسی به منابع و تامین حقوق افراد است. بیشتر زنان افغان، به دلایل اقتصادی، از

مراجعه به دستگاه قضایی صرف نظر می‌کنند. این درحالیست که زنان افغان، چندین مرتبه بیشتر از مردان فقیرتر هستند. براساس دریافت‌های⁵ صندوق وجهی توسعه سازمان ملل متحد در مورد زنان UNIFEM در سال 2007، 48.9 درصد نفوس افغانستان را زنان تشکیل می‌دهند. زنان بین پنجاه تا شصت درصد مزدی را که مرادان دارند، دریافت می‌کنند. حدود پنجاه هزار زن بیوه در افغانستان زندگی می‌کند که زندگی حد اوسط شش نفر را تامین می‌کنند. فقر در میان زنان سبب شده تا موارد نقض حقوق بشری آنان بیشتر شود. زمانی که زنان با مشکلاتی در زمینه نداشتن سرپناه، غذا و خدمات صحتی روبرو می‌شوند، حقوق انسانی آنان نقض می‌شود⁶. فقر

⁵ این ارقام در آدرس اینترنتی ذیل قابل دسترسی است: http://www.unama-afg.org/docs/_UN-Docs/_fact-sheets/07mayUNIFEM-fact-sheet.pdf

⁶ بر اساس ارقام ارائه شده UNIFEM در سال 2007، ارقام مربوط به صحت و تعلیم و تربیه قرار ذیل است:

- در هر 29 دقیقه یک زن در هنگام زایمان فوت میکند (دومین بالاترین رقم مرگ و میر مادران در سطح جهان)
- تنها 14.3% ولادت‌ها در حضور داشت پرسونل مسلکی صحتی صورت می‌گیرد.
- وابسته به موقعیت جغرافیایی از 30% الی 90% زنان در دهات به خدمات صحتی دسترسی ندارند.
- طور اوسط تعداد اطفال هر زن 6.6 میباشد.
- اوسط حیات زنان در افغانستان 44 سال است
- 83% از 50000 زنی که در اثر توپرکلوز هر سال می‌میرند را زنان تشکیل می‌دهند.
- 48% زنان به کمبود آهن مواجه اند.
- به طور تخمینی رقم سواد در بین زنان 15.8% (برای مردان این رقم 31% میباشد)
- تعداد پسرانی که دوره ابتداییه مکتب را تکمیل میکنند دو برابر تعداد دختران در عین دوره است.

همچنین به آسیب‌پذیری فیزیکی و ناتوانی زنان در میان جامعه و در دستگاه قضایی کشور می‌انجامد.

- امنیت: زمانی که مردم در مورد از دست دادن جان، حیثیت، جایداد و ملکیت خود نگران نباشند، می‌توانیم بگویم که امنیت تامین است. در یک تصویر بزرگ و کلی از افغانستان، نا امنی سبب عدم تمایل به سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های بازسازی می‌شود که این موضوع تأثیرات مستقیم بر زمینه‌های کاریابی و درآمد افراد دارد. علاوه بر این، امنیت روی دولت‌سازی و حاکمیت قانون نیز تأثیر می‌گذارد. با یک بررسی مشخص‌تر، درمی‌یابیم که زنان افغان از ترس آینده و بی‌آبرو شدن در سطح اجتماع، از تلاش برای دستیابی به عدالت باز می‌مانند. این مطالعه، نشان می‌دهد که مسایل امنیتی با موضوع دسترسی زنان به عدالت مرتبط است.

بخش بعدی این راپور، با جزییات نشان می‌دهد که این تحقیق چگونه تهیه شده و از کدام راهکارها برای بررسی و ارزیابی اطلاعاتی که در جریان این تحقیقات بدست آمده، استفاده شده است.

-
- تنها 19% مکاتب برای دختران اختصاص یافته است.
 - در 29% حوزه‌های تعلیمی هیچ مکتب برای دختران وجود ندارد.
 - در مکاتب ابتداییه در مقابل هر دختر دو پسر شمولیت دارد.
 - در مکاتب متوسطه در مقابل هر دختر 5 الی 6 پسر شمولیت دارد.

روش تحقيق مفهوم اين راپور

دسترسى زنان به عدالت: دسترسى زنان به عدالت به اين مفهوم است كه دستگاه عدلى و قضايى، تامين حقوق مساويانه زنان را با صداقت و بدون تبعيضى، ضمانت كند. موانع رسمى و غيررسمى مى تواند زنان را از دسترسى به عدالت محروم كند. معمولاً، موانع رسمى عبارت از مشكلات مستقيم در زمينه دسترسى زنان به عدالت، مانند نداشتن وكيل مدافع، سوءاستفاده از صلاحيت و قدرت، عدم موجوديت قوانين و مقررات قناعت بخش، عدم اجراءات فوري در دادگاه ها، ضعف در تطبيق قانون، عدم موجوديت قوانين روشن و واضح در مورد خشونت عليه زنان، عدم محافظت، و عدم معاونت و همكارى حقوقى مىباشد. موانع غيررسمى، مى تواند در بر گيرنده تبعيضى و نابرابرى هاي جنىستى باشد كه ريشه در اصول و قواعد سنتى و فرهنگى دارد.

روش جمع آوري اطلاعات

براي جمع آوري اطلاعات به منظور اجراي اين تحقيقات، از يك روش مشترك كمى و كيفى استفاده شد. اطلاعات براي

اجرای این مطالعه، از طریق مصاحبه‌های ژرف و عمیق با مردان و زنان شامل در جامعه، مقامات دولتی، نمایندگان عدلی، قضات و افراد پولیس جمع‌آوری شد. بخش تحقیقات نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال (WCLRF) اداره و تنظیم سوال و جواب از 450 مرد و 900 زن را برعهده داشت. پرسشنامه‌ها، سوال‌های از پیش تعیین شده با جواب‌های انتخابی را شامل می‌شد. علاوه بر این، از روش‌های گروهی نیز در این تحقیق استفاده شده است. مجموعاً اشتراک‌کننده‌گان آن 44 نفر بوده‌اند؛ از هر ولایت 11 نفر که 20 تن آنان را زنان و 24 تن آنان را مردان تشکیل می‌دادند که به نمایندگی از مراجع مختلف در این بحث‌ها اشتراک نموده بودند. هدف از استفاده از بحث‌های گروهی عمدتاً تحلیل چالش‌های اساسی در زمینه دسترسی زنان به عدالت بود.

افراد شامل در تحقیقات

این افراد، شامل زنانی می‌شد که به دستگاه قضایی به هر دلیل مراجعه کرده‌اند. برعلاوه وکلای مدافع، نیروی پولیس، حقوقدانان و مشاوران حقوقی، کارشناسانی از وزارت امور زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، زنان در خانه‌های امن، کارشناسانی از طب عدلی، مردم عام، زنان به حیث طرف دعوا و زنان مدعی شامل مصاحبه‌شوندگان بودند. این افراد از لحاظ جغرافیایی، هم در

مناطق شهری و هم در مناطق روستایی در افغانستان زندگی می‌کنند. توجه خاصی به این مسئله مبذول داشته شد که افراد شامل در این تحقیقات، افرادی با پیشینه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی، قومی و فرهنگی باشند. این تحقیقات در پنج ولایت کابل، بلخ، بدخشان، ننگرهار و پروان صورت گرفت.

ارزیابی اطلاعات

اطلاعات کیفی به وسیله تئوری‌های پذیرفته شده مورد ارزیابی قرار گرفت و برای ارزیابی اطلاعات کمی و ارزیابی ارتباط میان متغیرهای وابسته و غیروابسته، از STATA کار گرفته شد.

محدودیت مطالعه

روند اجرای این تحقیق، با برخی چالش‌هایی نیز همراه بود که واحد تحقیقاتی با آن برخورد کردند. به طور مثال، بسیاری از محاکم قادر به ارائه ارقام دقیق از شمار زنانی که به این دستگاه مراجعه کرده‌اند، نبودند. امنیت، مسئله دیگری بود که روند جمع‌آوری اطلاعات را در برخی از ولایات کشور با مشکلات روبرو کرد. با وجود این چالش‌ها، واحد تحقیقاتی قادر شد تا تحقیقات را موفقانه به پایان رسانده و 95 درصد جوابگویی نیازمندی باشد.

دریافتها

دریافت های این تحقیق، زیر عنوان های مشخص به بررسی گرفته شده است. در کل، آمار تشریحی در مورد زنانی که متهم هستند و یا برای دادخواهی مراجعه کرده اند، ارایه شده است، که با بحثی در مورد همخوانی عوامل پیش زمینه ای با جرایمی که این زنان به ارتکاب آن متهم هستند، دنبال می شود. کاوش عقاید و مفکوره های مردم در مورد زنانی که در جستجوی دادخواهی هستند، بخش مهم دیگری این مطالعه است. و در بخش آخری، صورت حساب مسایل و چالش های که زنان در جریان دادخواهی با آن روبرو می شوند، با جزییات فراهم شده و بحثی در مورد پیشنهادات پالیسی ساز در پی می آید.

آمار تشریحی

جدول زیر، یک آمار کلی در مورد عوامل ریشه ای را در مورد زنان متهم و زنانی مدعی، فراهم می کند. آنگونه که جدول 1 نشان می دهد، اکثریت زنان متهم و زنانی که در پی دادخواهی هستند، در میان 19 تا 31 سال عمر دارند.

جدول 1: آمار تشریحی در مورد بعضی عوامل ریشه‌ای				
زنان متهم		زنان مدعی		عوامل ریشه‌ای
کثرت وقوع	فیصدي	کثرت وقوع	فیصدي	عمر
30	29.4%	27	14.8%	هجده سال یا پایین‌تر
48	47.1%	87	47.5%	نوزده تا سی سال
17	16.7%	40	21.9%	سی و یک تا چهل سال
7	6.9%	29	16%	بیشتر از چهل یک سال
102	100%	183	100%	مجموع
حالت مدنی				
34	33.3%	15	8.5%	مجرد
68	66.7%	162	91.5%	متاهل
102	100%	177	100%	مجموع
ساکن یا باشنده				
58	56.3%	112	62.2%	شهر نشین
45	43.7%	68	37.8%	روستایی
103	100%	180	100%	مجموع

علاوه بر این، اکثریت قابل ملاحظه‌ای از زنان متهم و نیز زنان مدعی، متاهل هستند. تعداد بیشتر افرادی که در این مطالعه مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، باشندگان مناطق روستایی هستند. این عوامل ریشه‌ای، برعلاوه عوامل دیگری چون آموزش، در این گزارش بیشتر مورد بررسی و مطالعه قرار خواهد گرفت.

فقر

فقر می‌تواند تاثیرات قابل ملاحظه‌ای هم در فعالیت‌های جرمی و هم در مسئله دسترسی به عدالت داشته باشد. در عین حالی که فقر می‌تواند منجر به دست زدن افراد به جرایم و کارهای غیرقانونی شود، دسترسی زنان به عدالت را نیز محدود می‌کند.

فقر و برخوردهای جرمی: دریافت‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اکثریت کسانی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، یا هیچ درآمد پولی ندارند و یا هم درآمد مالی آنان در یک ماه بسیار ناچیز است. براساس جدول زیر، هفتاد درصد زنانی که به ارتکاب جرایم مختلف متهم هستند، هیچ درآمدی ندارند.

جدول 2: درآمد ماهانه زنان متهم		
اندازه	فیصدي	دسته بندي درآمد ماهانه
16	16.5%	1-5000
11	11.3%	5001-10000
2	2.1%	بیشتر از 10000
68	70.1%	بدون درآمد
97	100%	مجموع

نداشتن درآمد ماهانه، نشان‌دهنده بیکاری این افراد است. شصت درصد زنانی که گفته‌اند هیچ درآمد ماهانه ندارند، بیکار هستند و هیچ وظیفه‌ای ندارند.⁷ به این اساس، کاریابی و اشتغال، با انواع جرایمی که این

⁷ . از جمله 103 مصاحبه‌شونده 6 تن آنان به این سوال پاسخ ارائه نکرده‌اند.

زنان به ارتكاب آن متهم هستند، ربط دارد. به گونه مثال، 90 درصد زنانى كه به ارتكاب جرايم اخلاقى متهم هستند، هيچ كار ووظيفه اى نداشته اند، 64 درصد متهم به دزدى و 94 درصد ديگر به ارتكاب قتل متهم هستند. با اين وجود، با توجه به اين مطالعه نمى توان حكم كرد كه عدم اشتغال و يا درآمد ناچيز، مى تواند ارتباط مستقيمي با ارتكاب جرايم داشته باشد، اما هر دو، درآمد ناچيز و بي كاري، بي ربط با جرايمي نيست كه اين زنان به ارتكاب آن متهم هستند.

جدول 3: انواع جرايم در برابر اشتغال				
نوع جرم	تعداد مجموعى	افراد شاغل %	افراد بيكار %	فيصدي مجموعى
جرايم اخلاقى	30	10	90	100%
دزدى	14	35.7	64.3	100%
قتل	17	5.9	94.1	100%
فرار از منزل	24	8.3	91.7	100%
آدم ربايى	7	57.1	42.9	100%
غيره	9	11.1	88.9	100%

ارتباط درآمد و اشتغال را با مسئله دسترسى زنان به عدالت نيز مى توانيم مشاهده كنيم. دستگاه هاى رسمى قضايى و عدلى، گاهى براى افراد فقير، گزاف و تبعيض آميز است. اين بررسى نشان مى دهد كه فقر، دسترسى به عدالت براى زنانى را كه در وضعيت خوب اقتصادى قرار

ندارند؛ محدود می‌کند. بیشتر زنانی که در این بررسی با آنان مصاحبه صورت گرفت، هیچ درآمدی نداشتند تا با استفاده از آن برای خود وکیل مدافع بگیرند و یا دفاعیه مناسبی برای خود تهیه کنند. جدول زیر نشان می‌دهد که 71.9 درصد زنانی که در جستجوی دادخواهی هستند، هیچ درآمد ماهانه ندارند.

جدول 4: درآمد ماهانه زنان مدعی		
انواع درآمد	فیصدي	تعداد
1-5000	16.3%	29
5001-10000	7.3%	13
بیشتر از 10000	4.5%	8
بدون درآمد	71.9%	128
مجموع	100%	178

در حقیقت، 96 درصد از کسانی که در این بررسی با آنان مصاحبه شده و برای پیگیری پرونده هایشان وکیل مدافع نداشته‌اند، بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده در این تحقیق آنان هیچ درآمد ماهانه ندارند. علاوه بر این، این بررسی دریافته است که مسئولان، هم از زنان متهم و هم از زنان مدعی خواستار رشوه شده‌اند. با آنکه موارد رشوه ستانی (یکی از مشکلاتی که مصاحبه شونده‌ها با آن روبرو بوده‌اند) خیلی زیاد نبود (حداکثر 3 درصد)، اما مسئله رشوه ستانی، با توجه به اینکه

تعداد قابل ملاحظه اي از زنان هيچ درآمدي ندارند،
وضعيت بد زنان را بدتر مي کند.

فقدان آموزش

آموزش، نقش محوري را در زمينه بلند بردن سطح آگاهي
زنان در مورد قوانين و حقوق شان بازي مي کند. در
افغانستان، بيشتر زنان از حقوق انساني شان که هم در
قانون کشوري و هم در شريعت اسلامي مورد قبول و پذيرش
قرار دارد، آگاه نيستند. در مقابل، اين عدم آگاهي مي
تواند به عدم اعتماد به نفس و ناتواني در ميان زنان
که در جستجوي دادخواهي هستند، بي انجامد. براساس
دريافت هاي اين گزارش، 67 درصد زنان مدعي و 70.6 درصد
از زنان متهم، در هيچ مرجع رسمي در گذشته درس
نخوانده اند. با آنکه مقايسه کلي مسئله آموزش با
جرايم و مشکلاتي که در دستگاہ قضايي وجود دارد،
نشاندهنده رابطه جدي و قانع کننده اي ميان اين دو
موضوع نيست اما با اين حال نمي توان تاثيراتي را که
آموزش بر سطح آگاهي و فهم زنان از دستگاہ قضايي مي
تواند داشته باشد، رد کرد.

برعلاوه عواملی که در بالا ياد شد، کوتاهی دستگاہ
قضايي در کل، نيز دسترسى زنان به عدالت را محدود
کرده است.

کوتاهي دستگاہ قضايي

تاخیرهای طولانی: حدود 48 درصد از کسانی که در این بررسی با آنان مصاحبه شد، گفتند که کمتر از سه ماه وقت گرفت تا قضیه آنان حل و فصل شد. این درحالیست که 16.7 درصد دیگر گفتند بررسی قضایای شان حدود شش ماه وقت گرفت و 35 درصد دیگر گفتند پرونده های آنان در مدت بیشتر از شش ماه است که تحت بررسی قرار دارد. برای حفاظت از حق آزادی و مصئون بودن از بازداشت های خودسرانه، و برای جلوگیری از نقض حقوق اساسی بشری، هر نوع بازداشت و در زندان ماندن افراد باید براساس حکم قانون و نظارت مقامات قضایی صورت گیرد.

قابل یادآوری است که براساس بند دوم ماده 35 قانون **اجراات جزایی**، پولیس می تواند یک متهم را تنها تا 48 ساعت در بازداشت نگهدارد و نظربه ماده 15 قانون پولیس مدت دوام نظارت از 72 ساعت بیشتر بوده نمیتواند. ماده 36 قانون اجراات جزایی در مورد اقامه دعوی از سوی سارنوال چنین صراحت دارد دادستانها (سارنوال) می توانند متهم را تا پانزده روز نگهدارند که این مدت براساس ضرورت می تواند تا 15 روز دیگر تمدید شود، دادگاه های اولی و دومی، هر کدام تا دو ماه و دادگاه عالی باید تا حد اکثر پنج ماه دوسیه متهم را بررسی نموده حکم نهایی را صادر نماید. علاوه بر این، بخش سوم ماده شش، خاطر نشان کرده که هرگاه پرونده فرد متهم در جریان همین مدتی که از سوی قانون

تعیین شده، نهایی نمی‌شود، متهم باید بدون تاخیر از قید آزاد شود. در حالی که آنگونه که قبلاً نیز گفتیم، بخش قابل ملاحظه‌ای از کسانی که در این بررسی با آنان مصاحبه شده بود، گفتند که دوسیه‌های آنان برای بیشتر از شش ماه در حال بررسی قرار دارد و این درحالیست که در بعضی موارد، افراد متهم بیشتر از زمان تعیین شده، در بازداشت پولیس نیز بسر برده‌اند.

بازداشت‌های غیرقانونی: براساس ماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر: "هیچ‌کسی نباید به شکل خودسرانه بازداشت شود." این تحقیقات نشان می‌دهد که زنان در افغانستان در قضایای فرار از منزل و یا قرضداری به اشکال غیرقانونی بازداشت می‌شوند. اطلاعات تازه نمایانگر این موضوع است که تعداد قابل ملاحظه‌ای از زنانی که در بازداشت بسر می‌برند، به فرار از منزل متهم بوده‌اند.⁸ این زنان در بازداشتگاه نگهداری شده‌اند. این درحالیست که فرار از منزل، در قوانین افغانستان و قوانین مرتبط به آن، یک حرکت جرمی پنداشته نمی‌شود. این موضوع نیز قابل یادآوری است که بیشتر زنانی که از منزل فرار می‌کنند، قربانیان خشونت‌های خانوادگی بوده‌اند.

⁸. ترک غیر معمول محل بود و باش به وسیله زنان بدون اجازه و آگاهی اعضای خانواده

علاوه بر این، موضوع دیگری که قابل یادآوری است، قرضداری زنان است. قانون اساسی افغانستان⁹ تصریح کرده است: "قرضداری یک فرد نمی‌تواند منجر به بازداشت او شود." برعلاوه، قوانین مدنی صراحت دارد: "اگر فرد مقروض ثابت کند که پرداخت وام برایش ناممکن است، در آنصورت، قرضداری زایل می‌شود." براساس قانون مدنی، پرونده‌های که مربوط به معاملات و قراردادهای می‌شود، باید در دادگاه‌های مدنی مورد بررسی قرار گیرد. با این وجود، این تحقیقات تایید کرده است که زنانی که قرضدار بوده‌اند، به اشکال غیرقانونی بازداشت شده‌اند. این درحالیست که 3 درصد کسانی که با آنان در این تحقیقات مصاحبه صورت گرفته است، گفته‌اند که به دلیل ناتوانایی در پرداخت قرضهایشان، زندانی شده‌اند.

عدم دسترسی به طب عدلی: دریافت‌های این مطالعه نشان می‌دهد که هیچ مرکزی از طب عدلی در ولایات افغانستان موجود نیست و به این دلیل، بیشتر قضایای که نیاز به بررسی طب عدلی دارد، برای ارزیابی به دکتران و پزشکان محلی ارجاع داده می‌شود¹⁰. و از آنجایی که پزشکان محلی در عرصه طب عدلی تخصص ندارند، نمی‌توانند عوامل اصلی وقوع جرم را دریابند، در

⁹. ماده 32 قانون اساسی و ماده 96 قانون مدنی افغانستان
¹⁰. مصاحبه با رئیس محکمه بدخشان - تاریخ 16 جون 2007

نتیجه، عدالت به درستی تامین نمی‌شود. این مسئله، بررسی قضایای خشونت خانوادگی علیه زنان را دشوارتر می‌سازد. در شهر کابل، با وجود این که طب عدلی فعالیت دارد، کارکرد این نهاد به دلیل کمبود وسایل و نیز به دلیل عدم همکاری خویشاوندان و بستگان فرد مجروح یا مقتول با پزشکان و کارکنان طب عدلی، قناعت بخش و کافی نیست.¹¹ علاوه بر این، کمبود کارکنان زن در طب عدلی، یکی از چالش‌های اصلی برای زنان است که به دلایل حساسیت‌های فرهنگی، مراجعه آنها به پزشکان مرد در طب عدلی به مشکلات فراوان مواجه می‌گردد. به دلیل همین حساسیت‌ها؛ برای زنان افغان خیلی راحت‌تر است تا هنگام مراجعه شان برای آزمایش‌های طبی در مورد جرایم اخلاقی و یا سقط جنین به دلیل خشونت‌های خانوادگی، توسط پزشکان زن در طب عدلی مورد معاینه قرار بگیرند.

ناتوانی مالی دستگاه قضایی: روند اصلاحات در

دستگاه قضایی، بر محور تقویت اراده سیاسی و فراهم آوری همکاری‌های مالی و تخنیک‌ی استوار است. پس از سالها جنگ، دستگاه قضایی با وضعیت دشوار مالی و کمبود کارمندان ماهر روبروست. آنگونه که قبلاً گفته شد، بعضی از کسانی که در این تحقیقات با آنان مصاحبه

¹¹ مصاحبه با یکی از کارکنان طب عدلی - کابل 17 جون 2007

شده، گفته اند که در ادارات قضایی از آنان رشوه خواسته شده است. این افراد باور دارند که دلیل موجودیت فساد در دستگاه قضایی، وضعیت بد مالی این نهاد و معاش کم کارمندان آن است. با این حال، برای تایید این ادعا، نیاز است تا بررسی جداگانه ای در مورد فساد اداری موجود درین نهاد ها انجام شود، موضوعی که در محور تحقیقات فعلی قرار ندارد. این موضوع روشن است که رشوه ستانی، یکی از چالش های اصلی برای زنان در راه دسترسی به عدالت است، چون بیشتر زنان در وضعیت خیلی بد اقتصادی قرار دارند و نمی توانند با فساد و تقاضای پول کنار بیایند.

کمبود کارکنان زن در دستگاه قضایی: تعداد زنانی

که در بخش های مختلف نهادهای قضایی کار می کنند، بسیار محدود است و به هیچ وجه با کارکنان مرد در این نهادها قابل مقایسه نیست. در کابل، تعداد بسیار کمی از زنان در دستگاه قضایی کار می کنند، و این درحالیست که در بعضی از ولایاتی که تحت پوشش این تحقیقات قرار گرفت، قضات زن، دادستانهای (سارنوال) زن و پولیس زن به ندرت یافت می شود و حتی در بعضی از این ولایات، هیچ زن قاضی، سارنوال و پولیس موجود نیست.¹² در برخی از این ولایات، تعداد کمی از زنان

¹² مصاحبه با مقامات محاکم ابتداییه در ولایت های کابل و بلخ

تنها در پست هاي اداري نهادهاي قضايي كار مي كنند¹³. كمبود كاركنان زن در نهادهاي قضايي، يكي از چالش هاي عمده براي كساني بوده كه در اين تحقيقات با آنان مصاحبه شده است. زنان افغان، در قضايي چون تجاوز، جرايم اخلاقي و خشونتهاي خانوادگي، با كاركنان زن در نهادهاي قضايي بيشتر راحت هستند.

عدم دسترسى به وكلاي مدافع: يكي ديگر از دريافت هاي اين تحقيقات اين است كه تعداد قابل ملاحظه اي از زنان، هم زنان متهم و هم زنان عارض، هيچ وكيل مدافع در اختيار نداشتند. به اين اساس، 72.7 درصد از زنان عارض و 57.3 درصد از زنان متهم، قضايي خود را در نبود وكيل مدافع به دادگاه ارايه کرده اند. براساس جدول 5 و 6، داشتن وكيل مدافع، در هر ولايت نظر به ولايت ديگر، متفاوت است. بلندترين آمار زنان عارض كه دوسيه هاي خود را بدون داشتن وكيل مدافع به دادگاه پيشكش کرده اند، در ولايات بدخشان و بلخ ثبت شده است¹⁴. براي مشاهده جزييات بيشتر، لطفاً به جدول زير مراجعه كنيد.

جدول 5. رابطه ميان ولايات و مساعدت هاي حقوقي براي افراد عارض			
ولايات	بدون	با	مجموع
			فيصدي

¹³. مصاحبه با يكي از زنان متهم 29 اپريل 2007
¹⁴. تمام جدول بندي هاي ارقام در اين تحقيق براساس سطح $p > 0.05$ ميباشد.

مجموعی	موارد	وکیل مدافع	وکیل مدافع	
100%	49	40.8	59.2	کابل
100%	15	13.3	86.7	بدخشان
100%	36	38.9	61.1	پروان
100%	30	13.3	86.7	بلخ
100%	46	21.7	78.3	ننګرهار

به همین صورت، زنان متهم که در ولایاتی مانند بلخ، بدخشان و ننګرهار زندگی می کنند، کمتر از دیگران از وکیل مدافع برخوردار هستند. با این حال، اگر مقایسه کنیم، بیشترین زنان متهم که وکیل مدافع داشتند، کسانی بودند که در کابل زندگی می کردند.

جدول 6، رابطه میان ولایات و مساعدت های حقوقی برای زنان متهم

ولایات	بدون وکیل مدافع	با وکیل مدافع	مجموع موارد	فیصدي مجموعی
کابل	37.5	62.5	24	100%
پروان	72.7	27.3	44	100%
بلخ	31.3	68.8	16	100%
ننګرهار	68.4	31.6	19	100%
مجموع	57.3	42.7	103	100%

عدم دسترسی کافی به وکلای مدافع، بدون شک به نقض حقوق زنان و عدم توانایی آنان به دفاع موفقانه از دوسیه هایشان می انجامد. براساس ماده سی و یکم قانون اساسی افغانستان:

"هر فردی می‌تواند در زمان بازداشت و برای اثبات حقایق، برای خود وکیل مدافع تعیین کند... در قضایای جرمی، دولت باید برای افراد فقیر و تهیدست وکیل مدافع بگیرد. محرمیت مکالمات، مکاتبه و برقراری ارتباط میان فرد متهم و وکیل مدافع، باید از هر نوع تجاوز و تخطی در امان باشد. وظایف و حیطة صلاحیت وکیل مدافع، باید براساس قانون تعیین شود."

با وجود اینکه دولت براساس قوانین خود ملزم است تا به افراد متهم، زمینه دسترسی به وکیل مدافع را فراهم کند، آنگونه که دریافت‌های این بررسی نشان می‌دهد، اکثریت کسانی که با آنان مصاحبه صورت گرفته، هیچ دسترسی به وکیل مدافع نداشته‌اند.

پایین بودن ظرفیت کارکنان نهادهای قضایی: خوبی
و درستی دستگاه قضایی، مستقیماً با رضایت خاطر، اعتماد و درک مردم عام نسبت به بخش‌های مختلف نهادهای قضایی و کارمندان این نهادها ارتباط دارد. دریافت‌های این تحقیقات نشان می‌دهد که پایین بودن ظرفیت کاری و حرفه‌ای کارمندان نهادهای رسمی قضایی، سبب شده است تا روی اعتماد و درک زنان از مسئله دادخواهی در دستگاه قضایی، تأثیرات منفی بگذارد. درک مردم عام در افغانستان از دستگاه قضایی، بسیار منفی است. فیصدي کمی از افرادی که در این تحقیقات با آنان

مصاحبه شده - 18.9 درصد و 16.3 درصد به ترتیب - باور دارند که دوسیه های که به محاکم و به پولیس راجع می شود، به خوبی و درستی حل و فصل می شود، در حالیکه متباقی افراد مصاحبه شونده، باور نداشتند که قضایای راجع شده به پولیس و محاکم، به خوبی حل شود.

علاوه بر این، تعداد قابل ملاحظه ای از مصاحبه شوندگان - 26.3 درصد - باور دارند که اگر دوسیه آنان به پولیس راجع شود، حل و فصل آن، زمان طولانی تری را در بر می گیرد. درک کلی از این موضوع که بررسی دوسیه های جرمی در محاکم، زمان طولانی را در بر می گیرد، بعضی از مصاحبه شوندگان را به این باور رسانده است که بهتر است به دادگاه ها و محاکم مراجعه نکنند. در صورت عدم موجودیت چنین یک نهاد موثر، نهاد جاگزین برای حل دوسیه های جرمی، جرگه ها است که قضایا را به شکل سنتی حل و فصل می کند. در این صورت، امکان اینکه حقوق زنان نقض شده و با آنان برخورد تبعیض آمیز صورت گیرد در سیستم های غیر رسمی به مراتب زیادتر می گردد. علاوه بر این، دریافت های این مطالعه به باور مردم به شایع بودن فساد در دستگاه قضایی اشاره می کند. جدول 7 نشان می دهد که تعداد قابل ملاحظه ای از زنانی که با آنان مصاحبه صورت گرفته است - 18.5 درصد - باور دارند زنانی که به دادگاه ها مراجعه می کنند، از

آنان تقاضای پرداخت رشوه صورت می‌گیرد. برعلاوه، 16.3 درصد باور دارند که افراد پولیس از زنان رشوه می‌خواهند. احتمالاً، یکی از منفی‌ترین عواملی که منجر به صرف نظر کردن زنان به مراجعه به دستگاه قضایی می‌شود، این مفکوره است که اگر زنان به پولیس مراجعه کنند، با آزار و اذیت جنسی روبرو می‌شوند. براساس جدول 7، 12.1 درصد از کسانی که با آنان مصاحبه صورت گرفته باور دارند که اگر زنان برای تقاضای کمک به پولیس مراجعه کنند، از سوی ماموران پولیس مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرند. بسیاری از زنانی که با آنان در این بررسی مصاحبه شده، اعلام کرده‌اند که عدم باور و اعتماد به حرفه‌ای بودن کارمندان نهادهای قضایی، دلیل عمده‌ای است که زنان را از اقدامات حقوقی و قانونی باز می‌دارد. به این اساس، دریافت‌های این مطالعه نشان می‌دهد که مردم عام درک بسیار منفی از دستگاه قضایی دارند، بدین ترتیب، مراجعه به جرگه‌ها به عنوان جایگزین دستگاه قضایی رسمی مطرح می‌شود که در این صورت هم زنان به مشکلات فراوان مواجه خواهند بود.

جدول 7: چرا زنان از دستگاه قضایی تقاضای کمک نمی‌کنند؟		
دلایل	موارد	فیصدي
عدم پذیرش عامه	59	9.3%

12.7%	81	ترس از آزار و اذیت جنسی
11.0%	70	مشکلات مالی
45.9%	292	ترس از مردان فامیل
13.5%	86	کمبود اطلاعات
7.5%	48	مدت طولانی برای بررسی
100%	636	مجموع

دیدگاه‌های سنتی و شیوه‌های سنتی دسترسی به عدالت

جامعه افغانستان، در مجموع یک جامعه سنتی است. محیط زندگی زنان بیشتر اوقات محدود به چهاردیواری خانه است و زنان مجبور هستند دشواری‌های زندگی را تحمل کرده و مطیع و سلطه‌پذیر باشند. با وجود آنکه همیشه مشکل است در مورد جامعه افغانستان ابراز نظر عمومی کرد، اما به بیشتر دختران از کودکی فهمانده می‌شود که آنان موجودات مطیع، برده‌بار و با تقوا هستند. به این اساس، زنانی که نگرانی‌های خود را مطرح می‌کنند و به دنبال دادخواهی هستند، شاید بسیار با حمایت جامعه و خانواده‌های خود روبرو نشوند. دریافت‌های این مطالعه تایید می‌کند که مردم عام، در مجموع، از زنانی که در جستجوی عدالت و دادخواهی هستند، حمایت نمی‌کنند.

درک مردم عام: دریافت‌های این تحقیق نشان می‌دهد که 44 درصد باور دارند که مردم از زنانی که برای حل و فصل جنجال‌های خود به دادگاه مراجعه می‌کنند، حمایت می‌کنند، در حالی که 56 درصد دیگر از افراد مصاحبه‌شونده باور دارند زنانی که برای دادخواهی به محاکم مراجعه می‌کنند، در جامعه با نگاه منفی نسبت به آنان دیده می‌شود. در حقیقت، آنگونه که در جدول 8 نشان داده شده است، اکثریت کسانی که با آنان مصاحبه شده، باور دارند زنانی که علیه مردان خانواده‌هایشان به دادگاه شکایت می‌کنند، به عنوان زنان بدرفتار، رسوا و حتی بداخلاق، معرفی می‌شوند.

جدول 8: جامعه و اعضای خانواده چه تصویری از زنانی دارند که علیه مردان خانواده به دادگاه شکایت می‌کنند؟		
به این زنان چه خطاب می‌کنند:	موارد	فیصدي
بدرفتار	146	22%
رسوا	297	45%
بداخلاق	58	9%
خوب	52	8%
نمی‌دانم	103	16%
مجموع	656	100%

آنگونه که در جدول بالا نشان داده شد، افرادی که باور دارند زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها، زنان خوبی

هستند و کسانی که در این مورد ابراز نظری نکردند، تنها بیست درصد از مجموع مصاحبه شونده‌گان را تشکیل می‌دهند. اکثریت قابل توجه مصاحبه شونده‌گان، 80 درصد، به شکلی از اشکال، نگرش منفی نسبت به زنانی دارند که در جستجوی دادخواهی اند. دریافت‌های این گزارش نشان می‌دهد، زنانی که برای دسترسی به عدالت وارد عمل می‌شوند، در میان مردم و در کل در سطح جامعه، از جایگاه خوبی برخوردار نیستند.

نگرش منفی جامعه نسبت به زنانی که علیه مردان خانواده‌هایشان شکایت می‌کنند، احتمالاً با زنانی که با شکایت‌های دیگری - نه شکایاتی که مربوط به مردان خانواده شود - به دادگاه مراجعه می‌کنند، متفاوت است. درک مردم عام در مورد زنانی که در جستجوی دادخواهی هستند، نظر به موارد مختلفی که این زنان نسبت به آن شکایت دارند، فرق می‌کند. به طور مثال، زمانی که موضوع بی‌مسئولیتی شوهر در تامین معیشت خانواده (نفقه) مطرح می‌شود، اکثریت مردم باور دارند که زنان باید علیه این مسئله واکنش نشان دهند. آنگونه که دریافت‌های این مطالعه نشان می‌دهد، اکثریت قابل توجهی از مصاحبه شونده‌گان - 92 درصد - باور دارند که زنان در شرایطی که شوهرانشان از تامین معیشت خانواده خودداری می‌کنند، حق دارند به دادگاه، جرگه‌ها، وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر

افغانستان شكايت كنند. اين دريافت، ما را متوجه قوانين سنتي مي سازد كه بر مردان و زنان اعمال مي شود. بنا بر اين، اگر مردان نتوانند نقش خود را در زمينه نان آوري و تامين معيشت خانواده بازي كنند، زنان حق دارند كه عليه شوهرانشان شكايت كنند.

جدول 9		
هرگاه زنان به مشكلات عمده فاميلي از قبيل عدم پرداخت مهر، ميراث و نفقه مواجه شوند؛ چي بايد بكنند؟		
زنان:	موارد	فيصدي
نبايد هيچ كاري بكنند	52	8.0%
بايد به محاكم شكايت كنند	324	50.0%
قضيه خود را به جرگه راجع بسازند	141	21.8%
به وزارت امور زنان شكايت كنند	69	10.6%
به كميسيون مستقل حقوق بشر شكايت كنند	62	9.6%
مجموع	648	100.0%

در حالي كه پنجاه درصد مصاحبه شوندهگان باور دارند زنان براي حل و فصل قضايي خود بايد به نهادهاي رسمي شكايت كنند، تقريباً 22 درصد ديگر مي گویند زنان بايد در اين موارد به جرگه ها مراجعه كنند. متبقي مصاحبه شوندهگان باور دارند كه اين زنان يا به وزارت امور زنان و يا هم به كميسيون مستقل حقوق بشر افغانستان شكايت كنند. در مجموع، دريافت هاي اين مطالعه نشان داد كه تنها نيمي از مصاحبه شوندهگان مي گویند زنان

باید قضایای خود را از طریق مراجعه به دادگاه‌ها و از راه‌های رسمی حل کنند، در حالی که نیم دیگر اعتقاد دارند این قضایا باید از راه‌های دیگری بررسی شود.

زنان در کدام موارد می‌توانند شکایت کنند و پیش‌زمینه‌های قابل قبول برای طرح شکایت کدام‌هاست؟

آنگونه که دریافت‌های این گزارش نشان می‌دهد، 36.6 درصد مصاحبه‌شوندگان باور دارند که زنان در صورتی می‌توانند شکایت کنند که خشونت‌های فیزیکی منجر به شکستن استخوان بدن آنان شده باشد. جالب اینجاست که 15.2 درصد دیگر اعتقاد دارند اگر خشونت فیزیکی منجر به معلولیت زنان شود فقط در آن صورت باید شکایت کنند و 40 درصد دیگر معیار برای مطرح کردن شکایت از سوی زنان را تجاوز جنسی می‌خوانند. علاوه بر این، 8.2 درصد از مصاحبه‌شوندگان در این گزارش، ابراز کرده‌اند که اگر خشونت‌های فیزیکی منجر به معلولیت برای زنان می‌شود، در این صورت نیز آنان نباید شکایت کنند. (برای دریافت اطلاعات بیشتر در این مورد، لطفاً به جدول زیر مراجعه کنید.)

جدول 10: چه زمانی یک زن می‌تواند شکایت کند

فصدي	موارد	جوابها
36.6	231	خشونتي كه منجر به شكستن استخوان بدن شود
4.6	29	خشونت فزيكي
15.2	96	خشونتي كه منجر به معلوليت شود
35.4	224	هر سه مورد بالا
8.2	52	زنان نبايد شكايه كنند
100	632	مجموع

همانگونه که این موضوع در این بخش مورد بحث قرار گرفته، این برداشت که زنان باید در برابر خشونت‌ها برده بار باشند و دشواری‌ها را بدون تلاش برای دست یافتن به عدالت تحمل کنند، در میان کسانی که با آنان مصاحبه شده، غیرمعمول نیست. یک استدلال می‌تواند این باشد که از آنجاییکه مردم عام در مورد حقوق زنان آگاهی ندارند، فکر می‌کنند که زنان نباید برای تامین عدالت و دادخواهی وارد عمل شوند. اما با توجه به این مسئله که 67 درصد از کسانی که در این تحقیقات با آنان مصاحبه صورت گرفته، به شکلی از اشکال باسواد بوده و آموزش‌هایی دیده بودند، در مورد استدلال بالا مبنی بر اینکه مردم کاملاً از حقوق زنان بی‌خبر هستند، شک و تردیدهای مطرح می‌شود. اکثریت کسانی که در این تحقیقات با آنان مصاحبه صورت گرفته، معتقد نیستند که خشونت‌های فیزیکی می‌تواند دلیلی برای یک زن باشد تا علیه عامل این خشونت شکایت کند. بنا بر این، در این

گونه موارد، اگر دستگاه قضایی برای مردم قابل دسترس هم باشد، تاثیر قابل ملاحظه‌ای در کاهش خشونت‌های خانوادگی برجا نخواهد گذاشت، مگر اینکه زنان در مورد حقوق انسانی‌شان آگاهی داشته باشند.

شاخصه‌ها و ویژگی‌های دیدگاه‌های سنتی در جامعه، زمانی بیشتر روشن می‌شود که بررسی کنیم، چه اتفاقی برای زنانی می‌افتد که برای حل قضایای حقوقی‌شان به دادگاه‌ها مراجعه می‌کنند. مصاحبه‌شوندگان، در مورد اینکه چه اتفاقاتی برای زنانی که برای حل قضایای حقوقی‌شان به دادگاه‌ها و پلیس مراجعه می‌کنند می‌افتد، نظریات متفاوتی دارند. جدول زیر نشان می‌دهد که 14.2 درصد مصاحبه‌شوندگان ادعا دارند که زمانی که به دادگاه‌ها مراجعه می‌کنند، در جامعه، نسبت به آنان دید منفی وجود دارد. برعکس، 24 درصد دیگر می‌گویند، جامعه نسبت به زنانی که به پلیس مراجعه می‌کنند، دید منفی دارد. 9.1 درصد مصاحبه‌شوندگان باور دارند که در دادگاه‌ها، با زنان برخورد تبعیض‌آمیز صورت می‌گیرد.

جدول 11		
زمانی که زنان به دادگاه مراجعه می‌کنند چه اتفاق می‌افتد		
فیصدی	موارد	فیصدی
26.3	171	بررسی قضایای شان با تاخیر طولانی

		روبرو مي شود
14.2	92	با نگاه منفي به آنان ديده مي شود
18.5	120	از آنان رشوه خواسته مي شود
18.9	123	قضايي شان حل مي شود
9.1	59	با زنان برخورد تبعيض آميز صورت مي گيرد
13.1	85	نمي دانم
100	650	مجموع
زمانی که زنان به پولیس مراجعه می کنند، چه اتفاق می افتد		
12.1	78	مورد بد رفتاري هاي جنسي قرار مي گيرند
24.2	156	با نگاه منفي به آنان ديده مي شود
21.4	138	از آنان رشوه خواسته مي شود
16.3	105	قضايي شان حل مي شود
25.9	167	نمي دانم
100	644	مجموع

روشهاي سنتي براي حل و فصل يك قضيه: ارجاع دادن قضايا از نهادهاي رسمي قضايي (دادستاني يا سارنوالي و دادگاه ها) به شيوه هاي سنتي چون جرگه ها، يكي از مشكلاتي است كه از دسترسى مساويانه زنان به عدالت، به ويژه در مواردی كه پای زنان در قضیه دخيل باشد، جلوگیری می کند. از آنجايي كه جرگه ها عمدتاً براساس ارزشها و اصول سنتي استوار است، عملکرد آن در بسياري موارد با قوانين و مقررات مدونه کشور و اساسات حقوق بشر، سازگار نيست. بر علاوه از آنجايي كه در افغانستان مردسالاري حاكم است، فيصله و برخورد جرگه ها مي تواند در مورد زنان تبعيض آميز بوده و حقوق

آنان را نقض کند. نمونه‌های نقض حقوق زنان در جرگه‌ها در افغانستان، کم نیست. براساس دریافت‌های این مطالعه، 22 درصد مصاحبه‌شوندگان تاکید دارند که زنان باید قضایای خود را به جای مراجعه به دادگاه‌ها و نظام عدلی و قضایی، از طریق جرگه‌ها حل و فصل کنند؛ این درحالیست که 37.4 درصد از مصاحبه‌شوندگان می‌گویند که در قضایای حقوقی که زنان در آن دخیل اند؛ این قضایا معمولاً به جرگه‌ها راجع می‌شوند.

با وجود آنکه نهادهای رسمی عدلی و قضایی در افغانستان، جرگه‌ها را به عنوان نهادهای رسمی و با صلاحیت برای حل منازعات به رسمیت نمی‌شناسد، اما این دیدگاه که برگزاري جرگه، شیوه مناسب و قابل قبولی برای حل منازعات و قضایای حقوقی است، بر دستگاه قضایی نیز سایه افکنده‌اند. به طور مثال، نتایج مصاحبه‌های این تحقیقات نشان می‌دهد که در مورد خشونت‌های خانوادگی، با وجود آنکه قانون جزا، فصل پنجم، ماده چهار صد و هفتم¹⁵ خشونت فیزیکی را یک عمل جرمی می‌پندارد، اما دادگاه این موضوع را یک مسئله خانوادگی قلمداد کرده و هر دو طرف دعوا را تشویق می‌کند تا با هم کنار بیایند و یا از طریق مشوره جرگه

¹⁵ این قانون چنین حکم می‌کند: "شخصی که عمداً شخص دیگری را طوری مجروح یا مضروب نماید که موجب قطع و یا نقصان یا شکستن یا از کار افتیدن عضوی از اعضای بدن یا منجر به معلولیت دائمی یا فقدان یکی از حواس او گردد علاوه بر جبران خساره به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم میگردد.

ها و یا در داخل خانواده مشکل خود را حل کنند. این در حالیست که تقریباً 46% زنانی که به محاکم رجوع نمی‌نمایند دلیل آن را ترس از خشونت توسط مرد های خانواده ذکر میکنند (لطفاً به جدول شماره 7 رجوع کنید). بناً با توجه به این موضوع، داد‌گاه‌های که آن‌عه زنان را که به داد‌گاه رجوع کرده‌اند، تشویق به حل و فصل قضیه در خانواده نموده و یا اینکه آن‌ها را تشویق به رجوع کردن به جرگه‌ها مینمایند نه تنها در اجرای وظیفه و تطبیق قانون غفلت و سهل‌انگاری مینمایند، بلکه آن‌ها را که به این داد‌گاه‌ها رجوع کرده‌اند در معرض خطر جدی قرار میدهند. چه بسا این زنان ممکن‌مورد انتقام‌گیری توسط اعضای خانواده قرار گیرند.

زنان متهم و دست‌رسی‌شان به عدالت: این بخش به نوع اتهام زنان مصاحبه‌شونده می‌پردازد و همچنان توضیح میدارد که زنان متهم به‌چی مشکلاتی در دست‌گاه عدلی و قضایی مواجه بوده‌اند. نمونه‌مورد مطالعه در برگیرنده نتایج مصاحبه با زنان متهمی است که در محلات سلب آزادی به سر می‌برند و شامل 70 مصاحبه‌میشود.

نوع اتهام: جدول شماره 12 نشان میدهد که اکثریت مصاحبه‌شوندگان به اتهام جرم زنا سلب آزادی شده‌اند. دو نوع دیگر عام‌اتهامات وارده بر زنان متهم به ترتیب فرار از منزل و قتل میباشد. قابل‌یادآوریست که

اکثریت زنان متهم به فرار از منزل؛ قربانیان خشونت های خانوادگی اند.

به منظور ارائه تصویر بهتر از انواع اتهامات وارده به زنان مصاحبه شده درین راپور؛ بخش ذیل انواع این اتهامات و متغیرها را تحلیل مینماید. (دو تن از مصاحبه شوندهگان به این سوال جواب ارائه نکرده اند و به همین دلیل این جدول 101 قضیه را معرفی مینماید.)

جدول 12: انواع جرایم		
انواع جرایم	تعداد	فیصدي
زنا	30	29.7
سرقت	14	13.9
قتل	17	16.8
فرار از منزل	24	23.8
اختطاف	7	6.9
سایر موارد	9	8.9
مجموعه	101	100%

انواع جرایم و پیش زمینه متغیرها: نوع جرایمی که زنان به آن متهم اند با یک سلسله عوامل ریشه یی ارتباط دارد. به طور مثال سن یکی از این عوامل است که با نوع جرایم ارتكابي رابطه نزدیک

دارد. قسمیکه در جدول شماره 13 نشان داده شده است؛ بیشترین جرایم اخلاقی (زنا) به وسیله زنان بین سنین 19 - 35 سال اتفاق افتاده است در حالیکه عام‌ترین نوع اتهام برای دختران 18 سال و پیاپی‌تر از آن فرار از منزل است. ارتکاب قتل یکی از عام‌ترین نوع جرایم بین زنان در دسته‌های سنی 31 - 40 است و سنین بالاتر از 40 به ترتیب به ارتکاب جرایم اختطاف و قتل متهم شده‌اند. (سایر موارد درین زمینه شامل عدم پرداخت قرض، ازدواج غیر قانونی و قاچاق مواد مخدر میباشد. به دلیل اینکه برای هر یک از اتهامات تعداد جوابات بیشتر از 2 الی 3 مورد نبوده است؛ همه آنها در یک دسته شامل ساخته شده‌اند؛ در جریان این راپور هر یک از این موضوعات به صورت جداگانه مورد بحث قرار گرفته است.)

جدول 13: رابطه بین متغیر سن و نوع جرم					
نوع جرایم	18 سال و پیاپی‌تر	19 - 30 سال	31 - 40 سال	41 بالاتر از آن	مجموع
زنا	20.7%	43.8%	12.5%	14.3%	30
سرقت	13.8%	12.5%	18.8%	0%	13
قتل	3.5%	14.6%	43.8%	28.6%	17

24	14.3%	12.5%	10.4%	55.2%	فرار از منزل
7	28.6%	6.3%	4.2%	6.9%	اختطاف
9	14.3%	6.3%	14.6%	0.0%	سایر موارد
100	100%	100%	100%	100%	مجموع

(در جدول فوق سه مصاحبه شونده به این سوال جواب نداده اند که درین جمع بندی شامل نشده است.)
در رابطه به فرار از منزل نتایج تحقیق نشان میدهد که دختران مجرد بیشتر از متاهلین از خانه فرار میکنند. در حالیکه زنان متاهل بیشتر به اتهام قتل دستگیر شده اند. یکی دیگر از یافته های جالب نشان میدهد که گراف زنان متاهل در ارتکاب جرایم زنا و قتل نیز بالاتر است. جدول ذیل ارقام بیشتر را ارائه میدارد:

جدول 14: رابطه بین جرم و حالت مدنی				
نوع جرم	مجرد	متاهل	تعداد	فیصدي
زنا	33.3%	66.7%	30	100%
سرقت	30.8%	69.2%	13	100%
قتل	11.8%	88.2%	17	100%
فرار از منزل	58.3%	41.7%	24	100%
اختطاف	57.1%	42.9%	7	100%

سایر موارد	0%	100%	9	100%
مجموع				

حالت مدنی و سن یگانه عوامل دخیل در رابطه به جرایم زنان نیست. فقر و ناتوانایی‌های اقتصادی نیز می‌تواند از جمله عوامل ارتکاب جرم توسط زنان محسوب شود. جدول ذیل نشان می‌دهد که فیصدی قابل توجه زنان متهم؛ 90% که به جرم زنا متهم شده‌اند، بیکار اند. این روند در رابطه به سایر جرایم مثل قتل، فرار از منزل و سرقت نیز قابل تطبیق است. به همین دلیل ایجاد اشتغال برای زنان می‌تواند تاثیر مثبت روی کمیت جرایم زنان داشته باشد.

جدول 15: نوع جرم و اشتغال				
نوع جرم	بیکار	شاغل	مجموع تعداد	مجموع فیصدی به
زنا	90%	10%	30	100%
سرقت	64.3%	35.7%	14	100%
قتل	94.1%	5.9%	17	100%
فرار از منزل	91.7%	8.3%	24	100%
اختطاف	42.9%	57.1%	7	100%

سایر موارد	88.9%	11.1%	9	100%
------------	-------	-------	---	------

به صورت عموم نوع جرایمی که زنان به آن متهم شده اند به عوامل مثل سن، اشتغال و حالت مدنی ارتباط دارد. بررسی نوع مشکلات که این دسته از زنان در جریان رسیدگی قضایی به آن مواجه بوده اند مبحث دیگر مورد توجه درین راپور است.

مشکلات زنان متهم: در حالیکه 24.3% مصاحبه شونده‌گان گفته اند که آنها به مشکل خاصی در جریان رسیدگی به قضایی شان مواجه نشده اند؛ بقیه مصاحبه شونده‌گان یعنی 75.7% ابراز داشته اند که به صورت عام به یک سلسله مشکلات در ادارات مربوط پولیس و قضا مواجه شده اند. یکی از مشکلات اساسی 21.6% عبارت از عدم اعتماد به زنان در رابطه به اظهارات شان بوده است. از یک طرف از آنجایی که این دسته از مصاحبه شونده‌گان متهم به ارتکاب جرم اند، و هرگاه کسی که محکوم به یک جرم باشد اعتماد به بیانات او بسیار قوی نیست. از طرف دیگر در جامعه سنتی افغانستان دور از امکان نیست که به ادعای زنان در تعدادی از محاکم و ادارات پولیس گوش داده نشود و به آنها باور نگردد. به هر صورت این ارقام و معلومات نشان میدهد که تعداد زیاد از زنان از نحوه برخورد با آنها در مراجع عدلی و قضایی

راضی نیستند. برعلاوه 10.8% مصاحبه‌شوندگان (4 جواب دهنده) بیان داشته‌اند که در جریان رسیدگی به قضیه‌شان آنها مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند. سایر مشکلات درین زمینه شامل ادعای این زنان مبنی بر تقاضای رشوت توسط مسولین از زنان متهم بوده است (8.1%).

برعلاوه 5.4% مصاحبه‌شوندگان از برخورد غیرمسلکی پولیس و مراجع عدلی در تعقیب قضایای‌شان شکایت داشتند. طویل شدن جریان قضیه (16.2%) نیز یکی از مشکلات عمده زنان متهم بوده است.

زنان دادخواه یا شاکی: رقم عمده ادعا خانم‌ها درین بخش (بالتر از 70%) شامل قضايا و منازعات مدنی میباشد در حالیکه فقط کمتر از 20% آنها برای پیگیری قضایای جرمی به مراجع عدلی و قضایی مراجعه کرده‌اند. زمانی که این دسته از زنان به مراجع عدلی و قضایی مراجعه میکنند به عین ترتیب که در رابطه به زنان متهم یاد آوری گردید؛ به مشکلات متعدد مواجه میشوند که ذیلاً به بحث گرفته میشود:

مشکلات زنان دادخواه: چنانکه قبلاً مطرح گردید اصول فرهنگی و عنعنات حاکم در افغانستان برای دادخواهی زنان به خصوص در قضایای جنایی بسیار تشویق‌کننده نیست. از طرف دیگر سیستم قضایی ترجیح میدهد که

قضایای جنایی مربوط به خشونت‌های خانوادگی را به حیث یک موضوع مدنی مورد بررسی قرار دهد.

یافته‌های این راپور نشان می‌دهد که نزدیک به 50% مصاحبه‌شوندگان از نحوه برخورد پولیس در رابطه به قضایای شان راضی نیستند. عمده‌ترین مشکل در رابطه به پولیس خشونت فیزیکی و طولانی شدن پروسه رسیدگی به شکایات عنوان شده است. مصاحبه‌شوندگان همچنان تذکر داده‌اند که از آنها تقاضای رشوت شده است. باید خاطر نشان ساخت بر اساس جوابات ارائه شده زمانی که زنان از دادن رشوت خود داری نموده‌اند، پولیس با زیر پا کردن اصل عدم جانبداری به حمایت از متهم پرداخته است.¹⁶ تقاضای رشوت و پروسه طولانی رسیدگی به قضایا تنها موارد راپور داده شده توسط مصاحبه‌شوندگان نیست. 8.25% مصاحبه‌شوندگان از برخورد‌های خشن ناشی از تبعیض جنسی و برعلاوه آزار جنسی در مراجع مربوطه شکایت داشته‌اند.

از آنچه تذکر یافت واضح است که فساد اداری و آزار جنسی مشکلات جزئی در سیستم عدلی و قضایی نیست. این مشکلات باعث ایجاد نظریات منفی در رابطه به توانایی و ظرفیت مراجع مربوط در بین زنان دادخواه می‌گردد. بالنوبه زنان اعتماد خود را به سیستم عدلی و قضایی

¹⁶. بحث گروهی با زنان در سطح محل، ننگرهار، 30 جون 2007

از دست می‌دهند و در مراجعه به این ادارات بیشتر متردد خواهند شد.

چنانچه احساس مشابه به آنچه ذکر شد نزد زنان دادخواه موجود است. 20% آنان بیان داشته اند که آنها قادر به تعقیب قضایای خود در مراجع عدلی و قضایی نیستند. بیشتر از 30% آنها فساد اداری، طویل بودن پروسه رسیدگی به قضایای شان و بی تفاوتی در مقابل مشکلات شان را از مشکلات عمده در محاکم خوانده اند. به صورت عموم مصاحبه شونده‌گان بیان داشته اند که آنها ترجیح می‌دهند که مشکلات شانرا به جای ارائه مستقیم به محاکم؛ به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و وزارت امور زنان در میان بگذارند.

نتیجه گیری

چنانچه نتایج این تحقیق نشان می‌دهد؛ برداشت زنان افغان از سیستم قضایی در افغانستان در برگیرنده مجموعه از تصورات منفی و انتظارات برآورده نشده است. بیشتر عقاید ابراز شده به وسیله مصاحبه شونده‌گان براساس تجارب عملی آنها یا به حیث کسی که متهم به اجرای یک عمل جرمی شده است و یا کسی که به گونه برای دست‌رسی به حمایت به مراجع عدلی و قضایی مراجعه کرده، بوده است. طوریکه قبلاً نیز یاد آوری گردید چالش‌های متعدد که در برابر مصاحبه شونده‌گان این تحقیق در

زمینه دسترسی به عدالت وجود داشته است دربرگیرنده چالش‌های موجود در ساختار‌های رسمی قضایی شامل محدودیت دسترسی به مساعدت‌های حقوقی، سواستفاده مقامات عدلی و قضایی از موقف‌شان، ضعف در تطبیق قوانین، محدودیت تضمینات حقوقی در قوانین به خصوص در رابطه به خشونت‌های خانوادگی و محدودیت قوانین حمایتی در رابطه به قربانیان خشونت می‌باشد. به صورت عموم موانع رسمی شامل محدودیت در کارایی، جواب‌دهی و تساوی جنسیتی در سیستم حقوقی و اجراءات سیستم قضایی می‌باشد. برعکس موانع غیر رسمی به صورت عموم شامل تعصب سنتی در رابطه به جنسیت، اعتقادات فرهنگی که موانع را در زمینه دسترسی و مراجعه زنان به دستگاه عدلی و قضایی ایجاد می‌کند، می‌باشد.

درک و برداشت زنان از سیستم حقوقی نیاز به برنامه‌ها برای اصلاحات در سیستم حقوقی را که از حقوق، نیازمندی‌ها و علاقمندی‌های زنان در جامعه سنتی افغانستان را حمایت کند؛ برملا می‌سازد؛ جامعه سنتی که دسترسی زنان را به عدالت و دستگاه قضایی محدود ساخته است.

علاوه بر این فقر آسیب‌پذیری فزاینده و ناتوانی را در اجتماع و سیستم قضایی موجود افزایش می‌دهد. یکی دیگر از موضوعات اساسی نبود امنیت کافی برای دسترسی به عدالت برای زنان افغان است. امنیت و مصونیت درینجا

ترس از اعضای مرد خانواده، ترس از تجرید از جامعه و ترس از آزار و اذیت جنسی در مراجع مختلف است که ابعاد مختلف مشکلات امنیتی را برای زنان تشکیل می‌دهد و روی دست‌رسی زنان به عدالت می‌تواند اثر داشته باشد. به طور مثال 46% مصاحبه‌شوندگان بیان داشته‌اند که آنها قضایایی شانرا از ترس اینکه مبادا خشم اعضای خانواده را برانگیزد و وضعیت آنانرا بدتر سازد؛ به محاکم راجع نساخته‌اند. برعلاوه سیستم قضایی هم از نظر جنسیت به حساسیت‌ها نپرداخته است. نبود دید جنستی در سیستم عدلی - قضایی باعث گردیده است که این سیستم در حمایت از زنان و انجام عدالت در مورد نتواند موفق باشد. این موضوع باید بیشتر مورد تحقیق قرار گیرد تا به صورت مشخص خلاها و کمبودی‌های سیستم در رابطه به تامین دست‌رسی زنان به عدالت تشخیص‌گردد و بخش‌های را که به اصلاحات نیازمند اند؛ شناسایی نماید. قسمیکه از نتایج این مطالعات معلوم میشود دست‌رسی زنان به عدالت، از مراجعه آنها به جرگه‌ها و شوراها تا حد زیاد جلوگیری میکند. بخش ذیل تلاش دارد تا پیشنهادات را برای اصلاحات ارائه نماید.

پیشنهادات و پالیسی‌های مورد نیاز:

پیشنهادات و پالیسی‌های مورد نیاز که در اینجا مورد بحث قرار گرفته است، ارائه‌کننده اقدامات و

ستراتیژی‌های است که میتواند مورد توجه بازیگران ملی و بین‌المللی در عرصه اصلاح قوانین و سیستم‌های حقوقی افغانستان قرار گیرد.

بلند بردن آگاهی:

- یافته‌های این تحقیق بر نیاز مبرم فعالیت از جانب نهاد‌های دولتی و غیردولتی برای بلند بردن آگاهی زنان از حقوق اساسی‌شان تأکید میکند. لازم است تا وزارت امور زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، موسسات ملل متحد، نهاد‌های بین‌المللی که در رابطه به زنان فعالیت مینمایند برنامه‌های هماهنگ و مشترک را با نهاد‌های ملی و محلی برای بلند بردن آگاهی در رابطه به حقوق زنان طرح و تطبیق نمایند؛ به صورت کل این آگاهی‌ها باید شامل موارد زیر باشد:

- بلند بردن آگاهی زنان از حقوق اساسی‌شان که به واسطه قوانین ملی و تعهدات بین‌المللی کشور تضمین شده است و راه‌های تأمین این حقوق به وسیله جلب همکاری ملا امامان مساجد برای رهنمایی مردم به تأمین حقوق زنان، تدویر کارگاه‌های آموزشی، نشر برنامه‌های تنویری از طریق رادیو و تلویزیون و غیره میسر خواهد شد.

- راه اندازی برنامه های آگاهی عامه در رابطه به حقوق زنان برای عامه مردم از طریق وسایل تذکر یافته در فوق.
- طرح و تطبیق برنامه های ظرفیت سازی برای مسولین نهاد های عدلی و قضایی به شمول پولیس برای ایجاد زمینه های حمایت برای زنان.
- تدویر کمپاین ملی حقوق بشر و آگاهی های حقوقی از طریق نشر برنامه های آگاهی دهنده از طریق وسایل ارتباط جمعی مثل رادیو و تلویزیون و سایر وسایل نشراتی.

جلوگیری از نقض حقوق زنان به وسیله

ساختار های غیر رسمی:

- تمام قضایی مربوط به زنان باید در سیستم رسمی عدلی - قضایی مورد بررسی قرار گیرد و از مداخله سیستم های غیر رسمی به شمول جرگه ها جلوگیری به عمل آید.
- قوه قضاییه باید تمام تدابیر لازم را اتخاذ نماید تا از قربانی شدن زنان در نتیجه تطبیق عنعنات ناپسند به خصوص بد دادن جلوگیری به عمل آید.
- تصامیم سنتی که توسط جرگه ها و شورا ها اتخاذ میگردند تنها زمانی به رسمیت شناخته شود که با

ارزش‌های حقوق بشر همخوانی داشته و قوانین نافذ کشور را احترام نماید.

- هر نوع تبعیض بر مبنای جنسیت که در نتیجه فیصله جرگه‌ها و سایر ساختارهای محلی اتخاذ می‌گردد، به وسیله قوه قضاییه ممنوع اعلام شده و مرتکبین و مسببین آن تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

تامین دسترسی زنان به عدالت:

- قوه قضاییه کشور باید اهتمام به خرچ دهد که محاکم به حیث ساختارهای رسمی و قانونی حامی زنان در سراسر کشور برای زنان قابل دسترس باشد.
- سیستم عدلی و قضایی باید از حساسیت در زمینه تساوی جنسیتی برخوردار باشد: در نبود پولیس و کارمندان قضایی زن بسیاری از زنان ممکن از مراجعه به محاکم و پولیس به خصوص در رابطه به قضایای حساس مثل تجاوز جنسی و امثال آن باز داشته شوند؛ بناً لازم است تا اقدامات ذیل در مورد اتخاذ گردد:
- در دراز مدت زمینه‌های تشویق و ترغیب جوانان اعم از دختران و پسران برای انتخاب مشاغل پولیس، وکیل مدافع، کارکنان اجتماعی، کادر قضایی به وسیله نهاد‌های مربوط از طریق ایجاد برنامه‌های

تنویری در مکاتب و سایر محلات تجمع نوجوان ایجاد گردد.

- در سطح ملی سیستم موثر مساعدت‌های حقوقی برای زنان در هماهنگی با مراجع اکادمیک مثل فاکولته حقوق تهیه و قابل دسترس برای تمام زنان متهم در موقع دستگیری قرار داده شود.
- زمینه‌های تشویقی مالی و تخنیک‌های حمایت از زنان که به مشاغل پولیس و قضا اشتغال دارند، فراهم ساخته شود.
- برنامه‌های اختصاصی آموزشی در زمینه رشد فهم تساوی جنسیتی و نیازمندی‌های خاص زنان به حمایت‌های قضایی به ویژه در رابطه به حمایت زنان در برابر خشونت‌های خانوادگی برای کارمندان ادارات عدلی و قضایی طرح و تطبیق گردد.
- مساعدت‌ها و رهنمایی‌های حقوقی به شمول وکیل مدافع به صورت رایگان در اختیار زنان قرار داده شود. درین زمینه نهادها و موسسات غیر دولتی که از تخصص لازم در زمینه برخورداری اند نقش اساسی را ایفا کرده می‌توانند.
- مشوره‌های حقوقی رایگان همچنان در حوزه‌های پولیس برای زنانی که قربانی خشونت اند، فراهم گردد.

- مساعدت های حقوقی باید به گونه غیر متمرکز در تمام ساحات افغانستان و در سطح ولسوالی ها برای زنان قابل دسترس باشد.
- مصونیت زنانی که در جستجوی عدالت به سیستم قضایی مراجعه میکنند، ترجیحاً با جابجایی شان در خانه های امن به دلیل حمایت شان در برابر برخورد احتمالی خشونت آمیز مردان خانواده که زنان را از دسترسی به عدالت باز میدارد؛ تامین گردد.
- محاکم فامیلی برای حمایت از زنان در موضوعات مربوط به خانواده ، باید در سراسر کشور ایجاد گردد.
- جوابگویی در سیستم قضایی باید تقویت گردد. اقدامات لازم برای کسب اطمینان از اینکه محاکم در اجراءات شان مسولیت پذیر، کارا و جوابگو به مردمی که آنها برایشان خدمت میکنند؛ اتخاذ گردد. به صورت مشخص قدمه های لازم برای مبارزه با فساد اداری در دستگاه قضایی باید برداشته شود.
- راپور های دوره یی و سروی های کاربردی برای تحلیل مقایسوی و منظم از قناعت و عدم قناعت مردم از اجراءات سیستم عدلی - قضایی طرح، تهیه و تطبیق گردد. این ارقام و معلومات برای ارائه

راه حل هاي ممكن براي تقويت جوابگويي، موثريت و ارائه خدمات حقوقي عادلانه ؛ کمک خواهد کرد.

قوانين:

- از آنجا يک قواني افغانستان جوابگويي نياز هاي فعلي و آينده در زمينه هاي مشخص حمايت از زنان در برابر خشونت ها نيست ايجاد ميکند تا اقدامات لازم غرض ايجاد تضمينات درينمورد اتخاذ گردد؛ اين اقدامات ميتواند شامل موارد زير باشد:
- تعديل قوانين موجود و يا تعديل بعضي از مواد موجود در قوانين مدني و جزايي
- طرح و تصويب قوانين جديد مطابق به نيازمندي هاي زمان در جهت گسترش زمينه هاي حمايتي و انکشافی براي تامين دسترسى زنان به عدالت؛ از جمله حمايت از طرح و تصويب قانون محو خشونت عليه زنان
- طرح و تطبيق برنامه هاي حمايتي براي وکلای شوراي ملي در رابطه به ايجاد ضمانت هاي قانوني براي تامين دسترسى زنان به عدالت

هماهنگی بين نهاد هاي ذيربط:

- هماهنگی بين نهاد هاي ذيربط در زمينه حمايت از زنان در سيستم عدلي و قضا تسهيل گردد. عدم و يا

کمبود هماهنگی و تفاهم بین ادارات مذکور بسیاری اوقات میتواند به نقض بیشتر حقوق زنان و از جمله حبس غیر قانونی آنها بیانجامد. به طور کلی این هماهنگی باید در برگیرنده موارد زیر باشد:

- هماهنگی میان نهاد های عدلی و قضایی (پولیس، سارنوالی، محاکم، وکلای مدافع و اداره محابس) در زمینه تعقیب این قضایا به اسرع وقت؛
- ایجاد هماهنگی بین نهاد های ناظر حقوق بشر به طور اخص کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و نهاد های عدلی و قضایی جهت تشریک مساعی در جهت تشخیص موارد حمایتی و ارائه حمایت به طور مناسب؛
- ایجاد هماهنگی بین نهاد های ملل متحد و موسسات بین المللی با نهاد های عدلی و قضایی در زمینه شناخت موارد که نیاز به ارتقای ظرفیت ها در جهت حمایت از زنان احساس میشود.

ضمیمه اول:

اسناد بین المللی در مورد استندرد ها برای نهاد های عدلی - قضایی:

1. اعلامیه جهانی حقوق بشر:

ماده دهم:

هرکس حق دارد با مساوات کامل از امکان دادرسی منصفانه و علنی توسط یک محکمه مستقل و بی‌طرف برای تعیین حقوق و تکالیف خویش و یا اتهامات جزایی وارده بر خود برخوردار شود.

ماده یازدهم:

1) هرکس که به ارتکاب جرمی متهم می‌شود این حق را دارد که بی‌گناه فرض شود تا زمانی که جرم او بر اساس قانون در یک دادگاه علنی که در آن تمامی ضمانت‌های لازم برای دفاع او وجود داشته باشد ثابت شود.

2) هیچ کس را نباید به دلیل انجام یا خودداری از انجام عملی که در هنگام ارتکاب، طبق قوانین ملی و یا بین‌المللی جرم محسوب نمی‌شده است مجرم شناخت و نیز کیفری شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده نباید اعمال شود.

2. اعلامیه اسلامی حقوق بشر:

ماده نوزدهم:

الف) مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم نیز با هم برابرند.

ب) مراجعه و پناه بردن به دادگاه حقی است که برای همه تضمین شده است.

ج) مسئولیت در اصل امر شخصی است.

د) هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر بموجب احکام شریعت .

ه) متهم، بیگناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمینها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد .

ماده بیستم: دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید ، یا مجازات هیچ انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او بگونه ای حقارت آمیز یا سخت ، یا منافی حیثیت انسانی ، رفتار کرد . همچنین اجبار هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز نیست مگر با رضایت وی و مشروط بر اینکه سلامتی و زندگی او بمخاطره نیفتد . همچنین ، تدوین قوانین استثنائی که به قوه اجرائیه چنین اجازه ای را بدهد ، نیز جایز نمیباشد .

3. کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی

و مدنی:

ماده چهاردهم:

1- همه افراد در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری (از حقوق) برابر برخوردارند. در امور تصمیم گیری هر اتهامی علیه فرد و یا (علیه) حقوق و تعهدات مدنی او، هر کس باید حق داشته باشد که (اتهامات او) بوسیله یک

دادگاه قانونی، صلاحیت دار، مستقل و بیطرف، بطور منصفانه و علنی، رسیدگی شود. مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام و یا قسمتی از دادگاه بدلائل اخلاقی، نظم عمومی و یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار منع شوند. وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند و یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن (جلسات) را زیان آور به مصالح دادگستری بداند، (محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام و یا قسمتی از دادرسی) امکان دارد، اما حکم صادره در امور کیفری و یا مدنی باید علنی باشد مگر آنکه مصلحت افراد جوان ایجاب نماید و یا روند دادرسی، مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی اطفال باشد.

2- هر کس که به ارتکاب جرمی متهم شده است این حق را دارد که بیگناه فرض شود تا مگر جرم او برطبق قانون ثابت شود.

3- در مورد قطعی شدن جرم علیه فرد، هر کس حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد.

الف- بیدرنگ و به تفصیل با زبانی که او بفهمد، (باید) از نوع و علت اتهامی که به او نسبت داده شده است، آگاه گردد.

ب- وقت و تسهیلات کافی جهت تهیه دفاعیه خود و گفتگو با وکیل‌هایی که خود انتخاب کرده است، داشته باشد.

- ج - بدون تاخیر موجه، دادگاهی شود.
- د - در حضور خودش محاکمه شود. شخصا از خود دفاع نماید و یا از طریق وکیلی که خود انتخاب کرده است (از خود دفاع کند). او باید از حقوق خود مطلع گردد که اگر وکیل ندارد، در صورتیکه مصالح دادگستری اقتضا می نماید و (نیز) در صورتیکه او توانایی کافی برای پرداخت (دستمزد وکیل) را نداشته باشد، بدون پرداخت هزینه ای، وکیلی برای او تعیین می‌گردد.
- ه - از شهودی که علیه او (شهادت داده اند) بازپرسی کنند و یا بخواهند که از آنها بازپرسی شوند و تحت شرایط مشابهی که علیه او شهادت داده اند، شاهدانی جهت شهادت بنفع او حاضر شوند.
- و - اگر او زبانی که در دادگاه بکار می رود را نمی تواند بفهمد و یا صحبت کند (باید) بطور رایگان مترجمی جهت کمک در اختیار او گذاشته شود.
- ز - اجباری در شهادت دادن علیه خود و یا اقرار به مجرمیتش وجود نداشته باشد.
- 4- آئین دادرسی در مورد افراد جوان باید مطابق سن آنها، مصلحت و اعاده حیثیت آنان در نظر گرفته شود.
- 5- هر کس که مجرم شناخته میشود مطابق قانون (باید) حق داشته باشد که مجرمیت و محکومیت او بوسیله یک دادگاه عالیتر مورد تجدید نظر قرار گیرد.

6- هر گاه شخصی حکم نهائی محکومیت جزائی گرفته است و بعداً در نتیجه یک کشف جدید با وجود شواهد قطعی معلوم گردد که محکومیت او در نتیجه یک اشتباه قضائی بوده است و حکم او نقض شود و یا مورد عفو قرار گیرد، او یعنی شخصی که در نتیجه این محکومیت و مجازات متحمل رنج و عذاب شده است، حق دارد طبق قانون اعاده جبران خسارت نماید، مگر ثابت شود که عدم افشای بموقع و چگونگی امر نامعلوم بطور کلی و یا جزئی منتسب به خود او بوده است.

7- هیچکس را نباید بوسیله قانون دادرسی کیفری کشور، به جرمی که محکوم و یا تبرئه شده است، دوباره دادگاهی، محکوم و مجازات نمود.

4. کنوانسیون بین المللی منع

شکنجه:

ماده اول:

1) شکنجه به معنی هر وسیله یا عمل است که با عث درد و رنج طاقت فرسا فیزیکی یا روانی گردد که به طور عمدی بالای یک فرد بر مبنای معلومات ارائه شده از طرف یک شخص سومی و یا اعتراف خود شخص اعمال گردد، برای مجازات یک عملی که خود شخص و یا شخص سوم انجام داده است و یا شک ارتکاب آن و یا تهدید به ارتکاب آن وجود

داشته است استعمال شود، به مقصد تهدید کردن و اعمال فشاربالای شخص و یا فرد سوم استفاده شود، به منظور هر عملی بر مبنای تبعیض به هر نوعی استفاده شود، زمانی که این عمل به وسیله وارد نمودن فشار توسط و یا بالایی فرد در اثر فریب و یا رضایت و موافقت مامور عامه و یا فردی دیگری که به حیث مامور عامه شناخته میشود صورت گیرد. این عمل شامل درد و رنجی ناشی از حوادث اتفاقی و اجرای دساتیر قانونی نمیشود.

(2) این ماده هیچ اثری خراب کننده روی سایر اسناد بین المللی و قوانین ملی که تعریف وسیع تر از شکنجه را بیان نماید، وارد نخواهد نمود.

ماده دوم:

(3) دولت‌ها باید تمام اقدامات موثر قانونی، اداری، قضایی و سایر اقدامات را اتخاذ نمایند تا از شکنجه در هر قسمت از سرزمین تحت قیمومیت شان جلوگیری صورت گیرد.

(4) هیچ نوع شرایط استثنایی به شمول جنگ و یا تهدید به جنگ، نا آرامی‌های سیاسی و سایر انواع حالات اضطرار نمیتواند به حیث استدلال برای مشروعیت شکنجه به کار برده شود.

(5) امر مقام مافوق و یا مقام عامه نمیتواند به حیث دلیل برای اجرای شکنجه استفاده شود.

5. کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض

علیه زنان:

ماده سوم: دولتهای عضو در همه زمینه‌ها، مخصوصاً در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تمام اقدامات لازم از جمله قانونگذاری را اعمال خواهند کرد، تا از توسعه و پیشرفت کامل زنان اطمینان حاصل کنند و در نتیجه، برخورداري زنان را از حقوق بشر و آزادیهای اساسی بر پایه تساوی با مردان تضمین کنند.

ضمیمه دوم: ماخذ و منابع:

- اندرسون، میخاییل ر. (2003) دسترسى به عدالت و پروسىجر قانونى. نهاد های عدلی و قضایی را در رابطه به فقرا مسولیت پذیر بسازیم: انستیتوت مطالعات انکشافی.

- اپندرا باکسی، (1976) "دسترسى، انکشاف و عدالت توزیعی: مشکلات دسترسى افراد دهاتی" ژورنال انستیتوت حقوق هند، چاپ 18، جولای - سپتمبر

- کیپلیتتی، ماورو، و بریانت گارت (1978) "دسترسی به عدالت: جنبش جهانی برای موثریت حقوق - راپور عمومی" (میلاد: دوت. ا. گويفري)
- UNDP (2004) دسترسی به عدالت، یادداشت تمرینات، 2004
- پارکر، کریستین. (1999). مقررات و دسترسی به عدالت. اکسفورد: پوهنتون اکسفورد - بخش مطبوعات
- نوشته در زمینه شاخص‌ها برای دسترسی به عدالت در آسیا پسیفیک، لاسیله، انستیتوت حکومتداری با حمایت دفتر انکشافی ملل متحد، اکتوبر 2003
- لیفینسون، داوید. 1989. خشونت‌های خانوادگی در امتداد فرهنگ‌ها. نیوبوری پارک: نشرات SAGE

نوشته‌های مربوط به دفتر انکشافی ملل

متحد

دسترسی به عدالت، نوت برای تمرین:

004, http://www.undp.org/governance/docs/Justice_PN_En.pdf

نقش UNDP در دسترسی به عدالت، اوسلو ناروی، 3-6 مارچ
{CD ROM} 2002

UNDP انكشاف متداوم، جمهوري كانگو (برازيه ويلى):
عدالت و حقوق بشر به صورت عموم مراجعه شود به
<http://www.cg.undp.org>

UNDP ، PHI (02) 007 اصلاحات قضايي: تقويت دسترسى به
عدالت براي آسيب پذيران
دسترسى به عدالت در اندونيزيا، عبور به طرف صلح
پايدار و انكشاف، 2004
<http://www.undp.or.id/pubs/docs/Access%20to%20Justice.pdf>

مقاله ، شاخص هاي دسترسى به عدالت در آسيا پسيفيك،
2003
<http://regionalcentrebangkok.undp.or.th/practices/governance/a2j/docs/AccessstoJusticeIndicators.pdf>

دسترسى به عدالت، اردن، 2007
http://www.undp-jordan.org/Portals/0/Access%20to%20Justice_English%20Translation.doc
راپور اجرايي، كار گروپي 1: دسترسى به عدالت و
حاکمیت قانون، کمیسیون توانمندی حقوقی افراد مستمند؛
2007
http://legalempowerment.undp.org/pdf/WG1_Progress_Report.pdf

دسترسى به عدالت برای فقرا: قضیه از امریکایی
لاتین، روبیرتو گارگریلا، پوهنتون تورکواتو؛ دی تیلا،
بویونس ایرز؛ ارجنتین 2004

منابع اینترنتی:

<http://www.undp.org/governance/justice.htm>

<http://www.unece.org/env/pp/a.to.j.htm>

<http://www.unama-afg.org/>

<http://www.worldbank.org/>

http://www.dfid.gov.uk/left_bar.htm

<http://www.adb.org/Law/default.asp>

<http://www.waaccesstojustice.org>

<http://www.accesstojustice.org>

<http://www.cejamericas.org>

<http://www.access-to-justice.org>

<http://www.accessjustice.ca>

تاریخچه نهاد

خورشیدی توسط شماری از زنان حقوقدانان افغان در شهر کابل تأسیس شد 81
13 نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال به حیث یکی از ارگانهای تحقیقاتی
در خصوص حقوق زنان و کودکان در سال .

در کشور جنگ زده و بیشتر متکی به سنت های قبیله‌ای افغانستان شمار محد
ودی از افراد اند که تحمل درد و رنج زنان و کودکان را زیر نام رسم و رواج
ها تأیید میکنند. در این بحث ها عمدتاً از عنعنات و رسوم نیز به عنوان یکی از ز
مینة های بروز تخطی از حقوق زنان و کودکان یاد می شد. نخستین انگیزه ایجاد ا
ین نهاد بحث های بود، که در داخل و بیرون از افغانستان در رابطه به زنان و اطف
ال مطوح میشود.

این مسأله موسسان این نهاد را واداشت تا به شکل رضاکارانه به جمع آوری
سلسله‌یی از ارقام و امار اقدام کنند تا در قدم اول موجودیت سنن و عنعناتی که
برای زنان و کودکان این کشور غم انگیز و فاجعه بار است ثابت شود و بعداً نقش
و مسوولیت ارگانهای مختلف دولتی و نهاد های حقوقی که به نحوی از انحا در
این موضوع دخیل اند، برجسته شود.

وسایل و زمینه هایی را فراهم کنند تا مدافعین حقوق بشر از آن به عنوان اسفا
د و شواهد با اعتبار جهت شناسایی رسوم و عنعنات منفی که میتوانند راه های رش
د زنان و کودکان را ببندد، استفاده کنند. در حقیقت این نهاد ایجاد شده است تا در
برابر بی عدالتی ها و موانعی که در کوتاه مدت و دراز مدت نیاز به توجه و ح
مایت بیشتر دارند و به صورت مشخص به کودکان و زنان ارتباط میگیرند، ا
بستادگی کنند.

از نشرات این نهاد می توان ذیلا یاد آوری نمود.

- 1- رپور تحقیقاتی (د مسکن درد آور)
- 2- رپور تحقیقاتی (مشارکت سیاسی زنان در افغانستان)
- 3- گزارش کنفرانس (تأثیر عنعنات بالای زنان افغان)
- 4- رساله تحقیقی (نظری بر نحوه نامگذاری بالای افراد در افغانستان)
- 5- رپور تحقیقاتی (تعدد زوجات در افغانستان)
- 6- رپور تحقیقاتی (استقلال اقتصادی زنان در افغانستان)
- 7- رپور تحقیقاتی (نظری بر قضایای فرار از منزل)
- 8- رساله تحقیقی (دسترسی به حق هویت و وضعیت ثبت تولدات در افغانستان)
- 9- رساله تحقیقی (بررسی مصلف گزاف عروسی در افغانستان)
- 10- رساله تحقیقی (بررسی اثرات ضرب المثل ها بالای زنان در جامعه افغانی)
- 11- «مجله حقوقی و تحقیقی» واقعیت

